

تکمیل شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

### اعلامیه سازمان انقلابی - بخش گیلان خواسته‌های بحق

## بیکاران رشت و چپ‌نماها

روز سه‌شنبه ۵۸/۷/۲۴ یک راهپیمائی توسط "اتحادیه فارغ‌التحصیلان و دبیران بیکار" برگزار گردید. تظاهرکنندگان از میدان فرهنگ با شعارهایی نظیر "کار، کار، حق مسلم ما است"، به طرف میدان مصدق حرکت می‌نمایند که در بین راه مورد تهاجم گروه دیگری که مسلح به چوب، زنجیر و غیره بودند مواجه می‌شوند. پس از درگیری شعار تظاهرکنندگان تغییر می‌یابد و از این پس شعارهایی چون "مرگ بر این حکومت فاشیستی"، "مرگ بر ارتجاع" و غیره داده می‌شود. راهپیمائی همچنان تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز بعد در خیابان‌های شهر ادامه داشت و سرانجام در میدان مصدق با فریادهای "ایران را سراسر کردستان می‌کنیم"، تبدیل به یک هرج و مرج و تخریب گسترده، پاره کردن عکس امام (که باعث جر و بحث بقیه در صفحه ۲

## انحصار طلبی فرهنگی و ایران زدائی

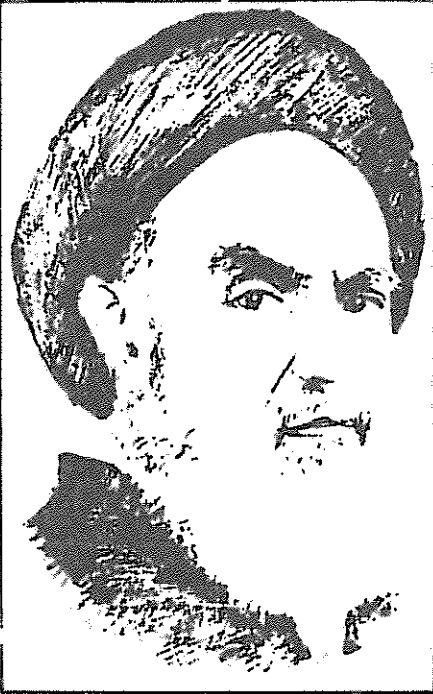
بیش از ۵۰ سال آن پدر و پسر منفور کوشیدند تا در جهت منافع امپریالیست‌ها به استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران ضربه وارد کنند. تیغ تیز این عامل امپریالیسم همیشه متوجه سه جریان اسلام مبارز، ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی بود، چرا که وحدت سه نیروی نامبرده می‌توانست به عنوان سد محکمی در برابر نفوذ امپریالیسم مقاومت کند. رضاخان بنام "ملی‌گرائی" و "ترقیخواهی" طرفداران سوسیالیسم انقلابی، ملی‌گرائی مترقی و بخصوص اسلام مبارز را بشدت سرکوب کرد. در حقیقت این مبارزه نه به ابتکار رضا خان بود و نه به مرزهای ایران محدود میشد. در سالهای پس از جنگ بقیه در صفحه ۴

مصاحبه با آقای بنی صدر (۲)  
\* روسیه از تجزیه  
خوشش می‌آید  
\* اشتباهات دولت  
در کردستان  
... به مسائل اساسی نپرداخت  
... به مردم تکیه نکرد

\* تا وقتیکه ما با اعتماد به  
خود مردم به حل مسائل  
آنها بطور مستقیم نپردازیم  
مشکل کردستان  
حل نخواهد شد

بقیه در صفحه ۶

امام خمینی  
شما خودتان  
آنها را تصفیه کنید



امام خمینی در دیدار با عده‌ای از کارکنان برون مرزی رادیو تلویزیون، ضمن اشاره به مسائل کردستان و عقب ماندگیهای این ناحیه و سایر نواحی ایران از زمان طاغوت، مجدداً "توطئه‌های ضد انقلابی را محکوم نموده و اشاره کردند که حساب برادران کرد از مشتکی توطئه‌گر وابسته به بیگانه جداست. امام به این واقعیت اشاره کردند که بقیه در صفحه ۶

## از کارگران مجتمع صنایع فولاد اهو از دفاع کنیم

★ آقای کلانتر رئیس شورای اسلامی کارکنان  
به ضرب چاقو مضروب شده است  
بقیه در صفحه ۳

### کنفرانس مطبوعاتی ستاد انتخاباتی «اتحاد بزرگ ملی»

## انتخابات شوراهای باید تجدید گردد

از دشمن عمده یعنی دوا بر قدرت امریکا و روسیه را تأکید کرده، متذکر شد که دولت باید مواضعی اتخاذ نماید که دقیقاً با شناخت از دوا بر قدرت و توطئه‌هایی که برای به شکست کشاندن انقلاب انجام میدهند مانند توطئه در مسائل داخلی شوراها، مسئله ملیتها، همراه باشد و روی این اصل بقیه در صفحه ۴

نیروی اساسی جامعه کنونی یعنی اسلام مبارز ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را تأکید نمود. وی سپس به بررسی مختصری از اوضاع کنونی، خطرات تهدیدکننده‌ی انقلاب و وظایف نیروهای انقلابی پرداخت. و اینکه مردم و نیروهای انقلابی به علت داشتن تضاد مشترک با امپریالیسم می‌توانند و باید با یکدیگر متحد گردند. وی سپس لزوم شناخت

عصر روز شنبه ۲۸ مهر ماه از طرف مسئولین ستاد انتخاباتی "اتحاد بزرگ ملی" یک کنفرانس مطبوعاتی در محل سازمان جوانان انقلابی برگزار گردید. این کنفرانس که با حضور خبرنگاران روزنامه‌های جمهوری اسلامی - بامداد - انقلاب اسلامی - اتحاد بزرگ - رنجبر - جوانان انقلابی، تشکیل گردید به مدت دو ساعت و نیم به طول انجامید. در این مصاحبه مطبوعاتی سه نفر از نمایندگان ستاد انتخاباتی "اتحاد بزرگ

## نه انحصار طلبی، نه قدرت طلبی شرکت مردم در تعیین سر نوشت خویش

استبداد وابسته شاهنشاهی سرنگون گردید، ولی انقلاب تمام نشده است. از هر دو میان انقلاب و ضد انقلاب مبارزه ادامه دارد. تنها شکل ظاهر آنست که گاه بدین شکل و گاه بدان صورت درمی‌آید. موثری را در هر زمینه ارائه دهیم و بیپیمائیم. معیار تشخیص حق و باطل. حلقه مرکزی در شناخت حق و باطل و مقابله با این اوضاع توده‌های مردم‌مند. بدین شرح، شمه‌ای از نده و فداکار، توده‌ها،



در این مصاحبه مطبوعاتی سه نفر از نمایندگان ستاد انتخاباتی " اتحاد بزرگ ملی " ( که از سازمان انقلابی - سازمان کمونرها - سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر - جمعیت عدالت - جمعیت زنان ایران سازمان جوانان انقلابی جمعیت ستار خان - کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایران تشکیل گردیده ، ) مواضع و نقطه نظرات ستاد را درباره شورا ها ، اختیارات و وظایف آنها و ضرورت تجدید انتخابات ۱۹ و ۲۰ مهر ماه شورای شهر ها و لزوم برگزاری یک انتخابات درست و مردمی تشریح نمودند .

در ابتدای کنفرانس مطبوعاتی، هادی سود بخش به معرفی ستاد پرداخته و لزوم وحدت نیروهای مختلف سیاسی و به ویژه سه

حلقه مرکزی در شناخت حق و باطل و مقابله با این اوضاع توده‌های مردم‌سود بدون شور و شوق و نیرو و فداکاری توده‌های مردم انقلاب از حرکت باز می‌ماند و شرایط برای ضدانقلاب مساعد می‌گردد .  
دیگر تجربه هشت ماهه گذشته بدون انکار و پرده پوشی روشن نموده است که هم انحصارطلبی و هم قدرت‌طلبی ، نمیتوانند حق و باطل را تمیز دهند و نه توده‌ها را برای مقابله با این اوضاع برانگیزند .  
تنها توجه به سیر شدیداً نزولی شرکت مردم در مقایسه با فرآیند دهم فروردین ، سپس انتخابات مجلس خبرگان و سرانجام انتخابات شورای شهرها کافی است تا هر چشم بسته‌ای را باز کند و نشان دهد چگونه انحصارطلبی ، قدرت‌طلبی و عدم تغییرات انقلابی بسود خلق ، مردم را دلزده کرده‌است . مردم بدرستی در این سیاست‌های انحصارطلبانه و قدرت‌طلبانه اهداف مقدس استقلال‌طلبانه ، آزادی‌خواهانه و عدالت - جویانه‌ای را که انقلاب بزرگ اسلامی در مقابل خود نهاده بود نمی‌بینند .  
انحصارطلبی ضرورت بسیج و شرکت واقعی و همه‌جانبه توده‌های انقلابی و نیروهای سیاسی در امور مملکت را به هیچ می‌گیرد و بقیه در صفحه ۶

که گاه بدین شکل و گاه بدان صورت درمی‌آید .  
حوادث یکی دوهفته اخیر و جو عمومی که می‌رود تا در سراسر کشور سایه بیافکند ، نمودار روشن این واقعیت است .  
حاصل مبارزه هشت ماهه نه تنها هنوز به جایگزینی نهادهای نوین انقلابی و در نتیجه جایگزینی نظم انقلابی نیا نجامیده ، بلکه هرج و مرج پا می‌گیرد .  
کردستان بصره جنگ تبدیل شده ، عمال بیگانه انفجار و تخریب در جنوب کشور را به برنامه روزمره خود تبدیل نموده‌اند ، در بلوچستان نغمه‌های ضدانقلاب برخاسته ، هزاران دیپلمه بیکار در شهرهای مختلف دست به تظاهرات می‌زنند ، مسیادان به جان آمده از دستگاه ستمگر شیلات در انزلی قیام میکنند ، بیکاری و گرانی قبل از انقلاب ادامه می‌یابد ، مبارزه و خصومت میان جناح‌های مختلف سیاسی و در محافل رسمی کشور بالا می‌گیرد و خلاصه بجای تثبیت وضع انقلابی ، اوضاعی متشنج ، بجای وحدت عمیق‌تر ، تشتت و اختلاف و بجای رضامندی توده‌ها ، ناراضی‌ها پا می‌گیرد .  
و چقدر مهم است که در این هرج و مرج حق و باطل را بازشناسیم و راه‌حلی و تگامهای

## اخباری از کردستان

طی دو هفته گذشته در سنج تظاهرات بی در پی و تقریباً " همه روزه جریان داشته است . شرکت کنندگان متشکل از طرفداران عزالدین حسینی ، دمکراتها ، چپ‌نماها و چپ‌روها بوده‌اند .

تظاهرکنندگان خواستار آزادی زندانیان سیاسی در کردستان شده و بر علیه امام خمینی شعار میدادند . در روز چهارشنبه گذشته نیز در سنج یک راهپیمایی به پشتیبانی از واقعه انزلی و چهلمین روز درگذشت قواد سلطانی برگزار شد . این تظاهرات که تاکنون به درگیری نیا نجامیده بودند در این روز با شلیک یک گلوله که معلوم نیست از کدام طرف انجام گرفت ، به درگیری انجامید و حدود ۵ نفر کشته و عده زیادی زخمی شدند .

با اینکه ابراز شده بود که برای مدت ۱۵ روز و در حین انجام مذاکرات طرفین ، نیروهای انتظامی دست‌به‌حمله نخواهند زد ولی با ورود تانکهای ارتشی به شهر مه‌باد یک درگیری بوجود می‌آید که طی آن ۴ تانک ارتشی بوسیله ارتشی ۷ منهدم شده و یک تانک نیز با سرشیشانش به کروگان مهاجمین درمی‌آید . در این درگیری مسلحانه که حدود ۴ ساعت بطول انجامید منبع آب بقیه در صفحه ۲

## مراسم بزرگداشت

### شهیدان «آرمان خلق» در بروجرد

شاه خائن که سرگرم تدارک جشنهای ۲۵۰۰ ساله‌اش بود ، این پنج فرزند دلیر خلق ما را به جرم میهن‌پرستی ، عشق به زحمتکشان و آرمان طبقه کارگر به آتش گلوله سپرد .

هشت سال از تیرباران این عزیزان می‌گذرد و امسال در روز ۱۷ مهرماه خانه کنترائی در بروجرد شاهد بزرگداشت یاد این شهیدان بود . در این مراسم مادران شهیدها همایون کنترائی و ناصر مدنی حضور داشتند و سخنرانی کردند .

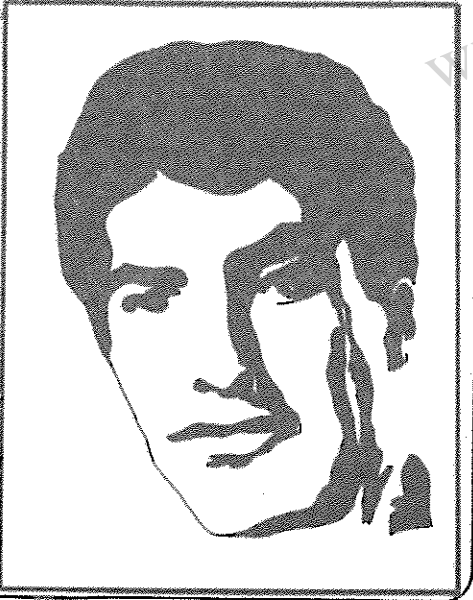
مادر رفیق شهید تقی سلیمانی لوسانی از شهدای سازمان انقلابی نیز به دعوت خانواده شهدای " آرمان خلق " مهمان جمع بود و برای آنها سخنرانی کرد .

تمام خانه ، حیاط ، ایوان و اتاق‌ها از جمعیت پر بود . شکوه مراسم و احساسات شرکت کنندگان توصیف کردنی نیست .

مادران شهدای " آرمان خلق " با روحیه‌ای رزمنده و پرشور در این مراسم سخن گفتند . مادر رفیق شهید همایون کنترائی طی سخنانش گفت که پس از سالیان دراز در سایه دموکراسی و آزادی می‌توانیم مراسم یادبود شهیدانمان را با شکوه برگزار کنیم . او سپس به برشماری ویژگیهای فرزند شهیدش پرداخت و از عشق و ایمان او به زحمتکشان سخن گفت . مادر رفیق کنترائی گفت که

آسمان انقلاب ایران خالی از ستاره نخواهد شد چرا که به عظمت‌گیتی و به شکوه دنیا است - هوشنگ تره‌گل

روز ۱۷ مهر هشتمین سالگرد شهیدان " گروه آرمان خلق " ، رفقا هوشنگ تره‌گل ، همایون کنترائی ، ناصر مدنی ، ناصر کربیمی و بهرام طاهرزاده بود . در ۱۷ مهر ۱۳۵۰



بقیه در صفحه ۲

## عدم تعهد یا وابستگی به شوروی؟

نشان می‌دهد که معنای وابستگی را از آن می‌فهمد :

" عدم تعهد به معنای انزوا طلبی و یا به معنای " موازنه منفی " دوری یکسان از " ابر قدرتها " نیست . ( " مردم " ، شماره ۶۶ ) .

چنانکه می‌بینیم این دار و دسته ، " عدم تعهد " را به معنای اتکا به نیروی خود و استقلال از ابر قدرتهای آمریکا و شوروی نمی‌بیند ، بلکه معتقد است که یا باید به این ابر قدرت و یا به ابر قدرت دیگر متکی شد . چرا این دار و دسته ، تعریف " عدم تعهد " را تحریف می‌کند . دلیل آن روشن است . این دار و دسته و اربابان امپریالیست آن ، انتظار دارند که با قطع سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران ، امپریالیسم روسیه جای آن را بگیرد . به همین علت هم بقیه در صفحه ۲

\* استقلال از دوا بر قدرت یا اتکا به یکی از آنها ؟

\* استقلال اقتصادی کشور یعنی بالا بردن تولید ملی با اتکا به نیروی خود یا عوض کردن طرف معامله ؟

روزنامه " مردم " ، ارگان دار و دسته کیان شوروی در شماره ۶۶ ، مورخ دوشنبه ۲۳ مهر ۵۸ ، اصولی را که به زعم خود می‌بایستی مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد ، مطرح ساخته است . به پیشنهاد این روزنامه ، سیاست خارجی ایران باید علیه امپریالیسم آمریکا و به نفع امپریالیسم روسیه تنظیم و هدایت شود .

استقلال از دوا بر قدرت یا اتکا به یکی از آنها ؟

دار و دسته کیان شوروی در تعریفی که از " عدم تعهد " می‌کند

نامه يك خواننده

مردم رهبری غاصب چریکها را افشاء میکنند

با تشکر از درج نوشته اینجانب در باب چپ‌نمایان و چپ‌روان - و در تأیید مقالات شما در نقد بر مشی چریکهای فدائی مطالبی که ناشی از تجربه و مطالعه ولو محدودی است، مقاله‌ای تقدیم میدارم. امید که با درج آن قدمی در طریق سیر تکاملی اندیشه ملی و مردمی در ایران برداشته شود. امید من به نیروی جوانی است که فعلاً "در معرض امواج کاذب قشریگری راست و چپ قرار گرفته ولی میتواند و باید انحرافات را تشخیص دهد و دور بریزد و در مقام یکی از گردانهای اصلی جهان سوم علیه استعمارگران رنگارنگ - حامل و محمل اندیشه و عمل انقلابی جهانی باشد و این امید موجه و بجائی است. توفیق شما را در افشاکاری کج‌روییها و تحریرات ابر قدرتها، خواستارم.

با تقدیم احترام - بیحی ابدال  
۵۸/۷/۱۲

من در حسن نیت و انقلابی بودن بیشتر جوانانی که اکنون هوادار چریکهای فدائی هستند شک ندارم و نیز به بنیانگذاران و شهدای سازمان چریکها و دیگر گروههایی که در شرایط اختناق کامل قیام کردند بحساب صداقت و شهادتشان درود میفرستم. بگذریم از اینکه نسل سوم و چهارم آن بنیانگذاران که رهبریت فعلی هستند و بخصوص هواداران رنگارنگشان تا چه حد در وارث بحق بودن آن بنیانگذاران صادق باشند؟

من روی این سؤال بحق هم خیلی تکیه نمی‌کنم که آیا روی عوامل نفوذی از نخستین روزها و رده‌ها اندیشه‌های کرده‌اند یا نه؟ بلکه از آنجا شروع می‌کنم که بقایای چریکهای فدائی در آن حدوداً ۵۷ زندان و بیرون بیش از ۲۰۰ نفر نبود و ناگهان در میتینگ‌های فروردین و اردیبهشت ۵۸ دهها هزار نفر هوادار از کجا سبز شدند؟

رفقا که از پیش‌دچار "عظی‌دگی" بودند این بار بعلاوه دچار "جمعیت زدگی" هم گردیدند و عوام‌زدگی و عوام‌فریبگی، که روی دیگرش عوام‌فریبی است، رفقای مدعوس از سیاهی لشکر را عرضه امواج تناقضات و التقاطی‌گری بیش از پیش در فکر و عمل نمود. از منتهی‌الیه "چپ" تا بورژواکسیرادور لیبرال‌دستی بجزریان رساندند، از نه‌قهر کرده‌ها، بیگانه‌ها، هرچی‌ها، زیگوها، لیبرال‌های اخلاقی، اکثریت محسوسی از محصلین و جوانان "انقلاب زده" و نگران از آینده بدون هیچ پایه طبقاتی و گرایش سیاسی، معنی‌دار و جهت‌دار، و شش‌فکر نمایان،

شده، خود را و مردم را و مرحله انقلاب را به جا نیاورد و بر رویهم امر به "رفقا" مشتبه شد که هنوز هم هست. در شهرستانها هم عمدتاً "براشراختناق سالیان و رهائی ناگهانی که مقداری اعلامیه و کتاب بطور درهم و برهم و غیرسیستماتیک توی دست و بال جوانان ریخته شد" "گروهکهای هوادار" که سرخشن بعضاً "در دست عوامل نامعلوم بود پدید آمد و شروع بعمل کرد و حمایت و تأیید طلبید و "رفقا" که از سوئی سخت مستبد و سانترالیست هستند، اجباراً "الت دست‌آینها هم شدند. رسوائی بحق حزب توده نیز انظار رسمیات‌های بالقوه جریان صحیح و اصیل چپ‌رادرسیر هواداران چریکها و دیگر جریانات انحرافی "شبه کمونیستی" کشید و عوام‌فریبی این بار نه با "تسبیح وردار" که با اصطلاحات چپ‌نما مد شد.

اما خود کادر رهبری که باخیزش جنبش انقلابی مردم از اواخر ۵۵ و در طول ۵۶ و حتی اواسط ۵۷ بکلی از مرحله پرت بود و هنوز غرق در ذهنی‌گری، فرقه‌گرایی و التقاطی‌گری - یکبارها پیروزی مردم خود را صاحب انقلاب فرض کرد و صبح روز ۲۳ بهمن اعلامیه بر طمطراق از تلویزیون پخش کرد که بله! هواداران چنین و چنان کنند و ...

دارودسته‌ای که در نیمه دوم آبان ۵۷ تازه محصلین را به اعتصاب دعوت میکرد در حالیکه اعتصاب در مه‌ماه دعوت "درخشش" لیبرال شروع شده بود. و در آبان، حرکت وارد فاز تعرضی و مسلحانه توده‌های گردیده همین دارودسته که این اندازه "توی باغ" بود در اسفند بیانیه داد که در طول ۵۷ در تدارک قیام مسلحانه بوده و از برسیلی قیام را بحساب خود گذاشت. جالیست که اجتماع ۲۱ بهمن چریکها در دانشگاه تهران کاملاً "تصادفی" بود چه سالروز ۱۹ بهمن بدلیل برخورد بسا تظاهرات حمایت از دولت موقت، خود بخود منتفی شده بود و بحض اینک با قیام خود مردم (نه فدائی نه مجاهد نه پارتیزان حزب توده) امکانات تعرض پدید آمد. رفقا فرصت طلبانه به جمع آوری سلاح و انبار کردن آن و گرفتن مواضعی برای دفاتر بعدی خود پرداختند، و یک حمله ناموفق به سفارت آمریکا که صرفاً پرو و کاسیون بود.

بقیه قضایا را که پیش هم میدانند. این سینه‌چاکان طبقه کارگر با لیبرال‌های غریزه، وزواعد و حواشی بورژواکسیرادورها میتینگ مشترک ترتیب دادند و از سوی دیگر "قولا" و "عملا" طرفدار فدائی‌ها و توده‌ایها که صادقانه

اعلامیه سازمان...

میان خودشان شد ( و بالاخره هجوم به طرف شهربانی گردید و این امر باعث تیراندازی هوائی پاسداران و پرتاب گاز اشک‌آور شد. تظاهر کنندگان پس از متفرق شدن موقتی دوباره جمع شده و پس از قرائت یک قطعنامه به تدریج پراکنده می‌شوند.

از روز قبل از برگزاری تظاهرات با پخش اعلامیه دیگری به امضای گروهی از دبیلیمه‌های بیگار مسلمان مبنی بر اینکه از تظاهرات جلوگیری خواهد شد بخصوص بعد از حوادث غم‌انگیز بندر انزلی به وضوح روشن بود که در صورت برگزاری راهپیمائی، در خیابانهای شهر حوادث ناگواری اتفاق خواهد افتاد. با توجه به مسئله‌ی فوق، چپ‌نماها که حاکم بر "اتحادیه ... و تظاهرات بودند، برای تحقق خواسته‌های تنگ‌نظرانه گروهی خویش مبنی بر ایجاد زمینه‌ای جهت تبلیغات تحریک آمیز خود، بدون اندیشیدن به منافع عمومی مردم، آگاهانه در برگزاری این تظاهرات با فشاری نمودند. عناصر اخلاکگر و چپ‌نما با سوء استفاده از خواسته‌های به حق دبیلیمه‌های بیگار در رشت و سهل‌انگاری وزارت آموزش و پرورش و استانداری و با بهانه قرار دادن فعالیت گروههای نا آگاه مذهبی و حملات عناصر انحصار طلب مذهبی نما در پی چندماه فعالیت اخلاکگرانه بر موج این نا رضایتی‌ها سوار شدند و با برگزاری تظاهرات دیروز باعث ایجاد این اغتشاشات شدند.

فعالیت اخلاکگرانه چپ‌نماها ناشی از آن است که آنها کلیه مشکلات و معضلات کنونی کشور ما را اساساً نتیجه روی کار آمدن دولت فطی و رهبری انقلاب دانسته و با مساوی قلمداد کردن دولت کنونی با رژیم فاشیستی و وابسته شاه و حتی در مواردی بدتر جلوه دادن آن نه تنها آب تظہیر بر روی رژیم شاه می‌ریزند بلکه دستاوردهای انقلاب را که ناشی از سالها مبارزه آشتی‌ناپذیر، جان فشانی و به بهای خون دهها هزار تن از فرزندان قهرمان خلق بدست آمده نفی می‌نمایند.

چپ‌نماها که خود از سازشکاران و آرایشگران امپریالیسم‌اند و به صورت مدافعین امپریالیسم روس در آمده‌اند، با اتخاذ چنین سیاستی از هر گونه نا رضایتی برای به اصطلاح خودشان "سرنگون کردن" دولت فعلی بهره می‌جویند. آنها با این سیاست اخلاکگرانه تنها زمینه را برای دخالت و توسعه طلبی دوا بر قدرت امریکا و روسیه و عمال آنها فراهم می‌آورند.

چرا چپ‌نماها از تجارب تاریخی درس نمی‌آموزند و به این اعمال ننگین و اخلاک گرانه خود پایان نمی‌دهند؟

مگر باز هم تاریخ باید تکرار گردد؟ مگر نتیجه فلاکت بار سیاستهای چپ روانه احسان الله خان علیه میرزا کوچک خان را که باعث شکست جنبش جنگل و تسلط امپریالیسم انگلیس شد فراموش کرده‌ایم؟ مگر به یاد نداریم که چگونه دار و دسترهبری حزب توده، دکتر مصدق را "کفتار پیر استعمار" می‌نابید و با تخریب در وحدت خلق زمینه کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ را فراهم نمود؟

بیگاری دبیلیمه‌ها و فارغ التحصیلان به عنوان یک مشکل و معضل اجتماعی که هزاران نفر از جوانان میهن ما دچار آن هستند اساساً از سیستم سرمایه داری وابسته و سلطه شوم امپریالیسم باقی مانده از رژیم سابق ناشی می‌شود. به این جهت حل مشکل بیگاری اساساً به بر انداختن سلطه کامل امپریالیسم در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و کسب استقلال ایران مربوط می‌شود و این مشکل را باید در چار چوب مبارزه استقلال طلبانه بر علیه امپریالیسم به ویژه دوا بر قدرت طرح نمود. بنابراین حل ریشه‌ای این مشکل احتیاج به یک برنامه دراز مدت دارد و مسئله‌ای نیست که بتوان یک شبه و در یک لحظه بر طرف گردد.

اما آیا این هم می‌تواند بهانه‌ای باشد به دست عده‌ای که بیگار بودن این جوانان را توجیه کنند؟ آنچه که مسلم است این است که بر خورد دولت و به طور مشخص آموزش و پرورش و استانداری گیلان تا کنون مثبت نبوده است.

این جوانان که نقش پیش قراولان را در انقلاب بازی می‌کردند از سرمایه‌های گرانبهای کشور ما هستند که باید از وجودشان برای ادامه انقلاب و سازندگی کشور بر اساس اصل اتکاء به نیروی توده‌های مردم استفاده شود.

حدود ۸ ماه از زمان روی کار آمدن دولت می گذرد در این مدت دولت هنوز برنامه‌های جدی برای حل مشکل بیگاری ارائه نداده است. چرا دست اندر کاران دولتی برنامه‌های ضربتی برای استفاده از نیروی لایزال جوانان بیگار تهیه نکرده‌اند؟ آیا با دست روی دست گذاشتن، بهانه جوئی کردن و امروز فردا کردن حل این مشکل، می‌شود به این معضل اجتماعی بر خورد نمود.

به نظر ما همانطور که بارها متذکر شده‌ایم این گونه سهل‌انگاری‌ها و عدم احساس

دعوا بر سر "سوسیال امپریالیسم" بود. اینان از این نکته غافلند که تمام انقلابات ملی و استقلال طلبانه در روزگار ما خواه نا خواه ضد امپریالیستی و در خدمت امر طبقه کارگر است و انترناسیونالیسم را در این بعد باید دیدنه از دید هژمونیکست‌ها و شوونیست‌های روس. سرنوشت اندیشه‌ای که به "حزب برادر بزرگتر" بیندیشد همانا سرنوشت پیر و پاتال‌های حزب توده است که بیش‌رمانه دروغ می‌گویند. یکرز از ائتلاف با حزب جمهوری دم میزنند. و روز دیگر قاسملو را مترقی مینامند، یک روز خلخالی را بازوی صادق انقلاب لقب میدهند و یک روز دژخیم! و در نهایت، در جلسات خصوصی به معترضین پاسخ میدهند، مگر نه اینکه کشوری مثل ایران در هر حال وابسته خواهد بود؟ پس چه بهتر که به شوروی وابسته باشد تا "دژ سوسیالیسم" محکم تر شود.

این طرز فکر که سوسیال امپریالیسم را نمی‌شناسد سرنوشتش به آنجا میکشد که حکومت قلابی و امالهای افغانستان را "خلق" مینامد و فاشیسم اتیوپی را سوسیالیسم لقب میدهد و در عمق امیدهایش همیشه "راه حل کودتای مترقی! سوسومیزند، مردم را تحقیر میکند و به توده‌ها ایمان ندارد. و چون به اندیشیدن با مغز خود عادت نکرده است و حتی میانی دیکتاتوری (= دموکراسی) زحمتکشان را درست نفهمیده، بهترین مکتب پرورش استبداد پذیران و استبداد درانان میشود، مگر نه جعفریان و باهری و تسلیمی و آزمون و عنایت‌الله‌رضا... محصول آن حزب بودند و مگر نه اینان "رستاخیز" پرداختند و دیالکتیکش را هم نوشتند!؟

"رفقای فدائی و هواداران نشان بیندیشند که از شکست مفروض خمینی چه نیروهای بهره خواهند برد؟ آیا گرایش به راست بجز بر اثر پرووگاسیون و مانورهای دانسته‌بانداسته چپ‌نمایان و چپ‌روان بوده است؟ آیا مسائل واقعی و خواسته‌های بحق که در این مرحله قابل طرح و حل است با طرح شعارهای خارج از دستور روز لوث نمی‌شود؟ آیا در همان روسیه عبور از مرحله بورژوا دمکراتیک به سوسیالیستی با فشار مصنوعی و مکانیکی بر دولت موقت صورت گرفت یا عملگر دیاکتیکی جامعه بود! شما چرا از تمام امکانات و فرصت برای بردن آگاهی بین طبقه استفاده نکردید و به غوغای بچه محصل‌ها و تظاهرات "سرخ ماتیک" دلخوش داشتید!؟

در خاتمه با عذر خواهی از تمام جوانان طرفدار فدائی‌ها و توده‌ایها که صادقانه

محسین و جوسن... سرب ر... و سرن  
از آینده بدون هیچ پایه طبقاتی و گرایش  
سیاسی معنی دار و جهت دار، روشنفکرانمیان  
ورشکسته و مشتریان خزعبلات آنان (مثلا)  
نوجهای مجله فردوسی و تهران مصور و  
امیدایران و آیندگان... و مصرف کنندگان  
ایدئولوژیهای آبی و بازاری... و صد  
البته مخالفان رژیم فعلی اعم از ساواکی و  
اداری رشوه خوار و گاردی فراری و خانوادهها  
و... بستگان اعدامیان...  
بالاخره ماجراجویان مشکوک و آتارشیست  
پای منبر رفقا جمع شدند و گروهی که از  
ضربت های کوبنده رژیم شاه و زخم انشعاب  
سال ۵۵ بخود نیامده بود و نیندیشیده بود  
که آیا عوامل نفوذی ساواک و سیا در رهبریت  
هستیانه؟ آلت دست شد، دچار گنده گوئی

## ● هو اسم بزرگداشت..

همایون علیرغم امکانات مرفه زندگی خانوادگی  
همیشه سعی داشت خود را با زندگی سخت  
زحمکش عادت دهد و در عین حال همایون  
همواره روحیه ای شاد و پر شور داشت.  
پس از او مادر رفیق ناصر مدنی یکی  
دیگر از شهدای "آرمان خلق" یا شور و  
حرارت به تجلیل از شهیدش پرداخت.  
سپس از مادر رفیق شهید تقی سلیمانی  
لواسانی دعوت شد که صحبت کند. مادر  
رفیق تقی با استقبال پرشوری روبرو شد.  
جمعیت شعار میداد.

درود بر شهید لواسانی  
درود، درود، درود

مادر تقی درباره وحدت مبارزه جویانه  
نوبنی که بین مبارزین باید ایجاد شود  
صحبت کرد و بر ضرورت پیگیری راه شهدا  
تاکید نمود. او از همه دعوت کرد که بیایند  
ما هم راه شهدا را ادامه دهیم. مادر از ۲۲  
باستاد شهید در حوادث اخیر کردستان نیز  
یاد کرد.

جمعیت پس از صحبت هم از مادر  
تشویق پرشوری کرد. جمعیت شعار میداد:  
"درود بر تو مادر مبارز"

دو نفر از مبارزان اسلامی نیز در  
این مراسم پیام دادند. آنها با تکیه بر  
"ان الحیره عقیده والجهاد" از شهدا  
تجلیل کردند و اشاره نمودند که شهید قلب  
تاریخ است.

مراسم بزرگداشت پنج شهید گروه  
"آرمان خلق" با سرود خوانی جوانان  
شرکت کننده، از فضائی سرشار از شور انقلابی  
برخوردار بود و جمعیت شرکت کننده با عشق  
و ایمان به راه شهدا تجلیل پرشکوهی از این  
فرزندان خلق بعمل آورد.

وزواد و حواشی بورژوازیها متشدد  
ترتیب دادند و از سوی دیگر قولا "و عملا"  
سوسیال امپریالیسم روس را تاء پید کردند و  
در جریانات بشکوک کردستان دخالت ورزیدند  
و در واقع اگر حزب توده نوکر وفادار یک  
ابرقدرت است، اینان آب به آسیاب هر دو  
ابرقدرت ریختند و از "سوسیالیست" های  
آمریکائی حمایت کردند و لذاست که بحق  
قافیه را باختند و در طول هشت نه ماه اخیر  
شاهد دو انشعاب دیگر بوده اند و میروند که  
یکجا خورا کلاشخوره های کهنه کار "حزب طراز  
نوبن" شوند!  
اما نارفقی اینان چنان بود که به مسعود  
رجوی را می دادند اما به گاندید "خط سوم"  
را می ندادند حال آنکه آنان به گاندید اینان  
را می دادند بودند (پیکار - شماره ۵۸/۵/۱۵)

همایون کنترائی قهرمان مقاومت در  
زیر شکنجه های حسینی جلاد بود.  
کنترائی در مقابل جوخه اعدام زمزمه کرد:  
چشمهایم را نبندید  
زیرا که آفتاب زیباست  
فرزند لر

تا دم مرگ مانند پلنگ است.  
هنوز پیام هوشنگ ترنگل در بیدادگاه  
شاه پیش چشم مبارزان کمونیست و تمام خلق  
است.  
"سپیده در حال دمیدن است."  
۸ سال از شهادت پنج مبارز "آرمان  
خلق" میگذرد. یادشان جاوید و راهشان  
پیروز باد.

## ● اخباری از کردستان

مهاباد مورد اصابت گلوله قرار گرفته است.  
یک دفتر سیاسی مشترک، متشکل از  
حزب دمکرات، چریکهای فدائی و سازمان  
انقلابی زحمکشان کردستان بوجود آمده و  
تمام فعالیتها به رهبری این دفتر سیاسی  
اجرا میگردد. از طرف دیگر یک فرستنده  
رادیویی بنام ارتش سرخ مشغول بکار شده و  
هر روزه به زبان کردی اخبار و تفسیر منتشر  
میکنند.

علیرغم جریان داشتن مذاکرات بین  
نماینده دولت با سران طرف مقابل چندان  
تغییری در اوضاع متشنج کردستان ایجاد نشده  
و اوضاع همچنان نا آرام است. نیروهای  
ارتشی و پاسداران عمدتاً در پایگاههای خود  
مستقر بوده و بجز این مناطق کنترل شهرهای  
سنندج و مهاباد در دست دمکراتها و سایر  
نیروها میباشد.

در خاتمه با عذر خواهی از تمام جوانان  
طرفدار فدائیها و توده ایها که صادقانه  
انقلابیند بعنوان کسی که عمیقاً "نگران سیر  
انقلاب و سرنوشت چپ اصیل است تقاضا  
دارم با یک خانه تگانی فکری از پیشداوریها  
و دگمها و تعصبات گروهی، در ارزیابی  
جنبش عمیق توده های ایران و درک مرحله  
انقلاب و وظائف مبرم روز و سد کردن راه  
ضد انقلاب که در حقیقت دارد میآید - اما

نه از آن راه که تصور کرده اید - ببینید  
و ببیندیشیم. سخنانی نیز بارهبری انقلاب  
و اولیاء دولت دارم که فرصت دیگری میطلبد.  
بادرودهای صمیمانه - یحیی ابدال

## ● عدم تعهد یا...

از خالی بودن میدان از رقیب استفاده کرده  
و سعی می کنند با براه انداختن جنجال  
تبلیغاتی علیه دولت ملی و متهم کردن آن به  
وابستگی به امپریالیسم آمریکا و استفاده از  
تاکتیک هویج و چماق، آن را به طرف خود  
متمایل سازند.

این دار و دسته مسلط بر حزب  
توده جهان را به دو بلوک تقسیم می کند.  
یکی بلوک امپریالیسم روسیه و کشورهای  
اقمار آن و بلوک دیگر هم بلوک امپریالیسم  
آمریکا است. معیاری که این دار و دسته برای  
"محتوای استقلال طلبانه" سیاست خارجی یک  
کشور تعیین میکنند میزان دوری از امپریالیسم  
آمریکا و نزدیکی به امپریالیسم روسیه است.  
کشوری که در بلوک امپریالیسم روسیه قرار  
داشته باشد و سرکردگی این امپریالیسم را  
بپذیرد، "مستقل" است و در غیر این صورت  
وابسته به امپریالیسم آمریکا و محروم از  
استقلال می باشد. بنابراین، چنانچه سیاست  
خارجی کشور ما "هماهنگ" با سیاست  
امپریالیسم روسیه و بلوک آن باشد و سرکردگی  
این قدرت امپریالیستی را بپذیرد، به زعم  
این دار و دسته، "مستقل" است و در  
صورت داشتن سیاستی مستقل از هر دو ابر  
قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و دو بلوک  
مورد نظر، نمی توان آن را مستقل نامید!  
دار و دسته کیا نسوری از جوی که علیه  
امپریالیسم آمریکا به عنوان امپریالیسم غالب  
در کشور ما وجود دارد آگاه است و به همین  
علت سعی می کند از این جو به نفع اربابان  
روسی خود سوء استفاده کند.

بالا بردن تولید ملی با اتکا به نیروی خود  
یا عوض کردن طرف معامله؟

به این معضل اجتماعی بر خورد نمود.  
به نظر ما همانطور که بارها متذکر شده ایم این گونه سهل انگاریها و عدم احساس  
مسئولیت باعث می شود که این خواسته های به حق و اعتراضات یجا با رخنه ی چپ نما ها  
و عوامل ضد انقلاب از یک عامل مثبت در سازندگی کشور به یک عامل منفی و تخریبی در  
خدمت بیگانگان و سلطه طلبان آمریکا و روسیه که هنوز چشم طمع به کشور ما دوخته اند  
تبدیل گردد.  
چرا دولت در مقابل گروههای انحصار طلب و عناصر خرابکار مذهبی نما که سیاست  
چوب و چماق را اتخاذ کرده اند و به بهانه حفاظت از اسلام و انقلاب اسلامی، وحشیانه  
و بدون خط کشی میان ضد انقلاب، منحرفین و توده های جوانان معترض، حمله می برند  
سکوت می کنند؟

ما قاطعانه بار دیگر اعلام می کنیم که دولت و منجمله آموزش و پرورش و استانداری  
گیلان باید سریعاً برای این جوانان بیگار با برنامه های ضربتی کار ایجاد نمایند و نگذارند  
بیش از این اوضاع به سمت هرج و مرج حرکت کند. در ضمن ما از دیپلمه ها و فارغ التحصیلان  
بیگار می خواهیم که بر روی خواسته های عادلانه شان یا فشاری نمایند، شیوه ها و سبک کار  
درست را اتخاذ کنند و با در پیش گرفتن سیاست اتحاد بزرگ ملی از هر آنچه باعث  
اغتشاش، تفرقه افکنی و سوء استفاده اخلاک گران می شود، با هوشیاری انقلابی پرهیز کنند.

## ● سازمان انقلابی - بخش گیلان

۵۸/۷/۲۵

تلاش این دار و دسته را برای کشاندن  
کشور ما به سوی وابستگی به امپریالیسم روسیه  
را می توان در راه حلی که برای مهار کردن  
بیگاری ارائه می دهد به خوبی مشاهده کرد.  
"برای آنکه هرگز دیگر صنایع بوضعیت  
امروزی خود دچار نشود باید در نخستین  
گام صنایع کشور را از وابستگی به امپریالیسم  
نجات داد و راه آن ایجاد مناسبات برابر  
اقتصادی با آن کشورهاست" است که حاضرند  
مواد اولیه و واسطه های و قطعات یدکی را بدون  
تحویل شرایط سیاسی و تبعیض اقتصادی،  
به بهانه عادلانه در اختیار صنایع ما قرار  
دهند. ("مردم"، شماره ۶۱، سه شنبه  
۱۷ مهر).

روزنامه "مردم"، شماره ۶۸،  
چهارشنبه ۲۵ مهر، مجدداً سؤال می کند:  
"آیا در جهان کنونی فقط کشورهای  
امپریالیستی هستند که علیرغم همه کار  
شکنی ها، باید همچنان طرف بازرگانی  
نا برابر با ما باشند؟ آیا کشورهای دیگری  
نیستند که بتوان در شرایط برابری کامل و  
بدون تحمیل شرایط با آنان مبادله و بازرگانی  
کرد؟"

چنانکه می بینیم دار و دسته کیانوری،  
استقلال اقتصادی کشور را در بالا بردن  
تولید ملی بر اساس اتکا به نیروی خود  
نمی بینند، بلکه آن را در تغییر رابطه ی  
"مبادله و بازرگانی" و عوض کردن "طرف  
معامله" از غرب به شرق خلاصه می کنند.  
یعنی به صرف اینکه ما احتیاجات اولیه خود

به این معضل اجتماعی بر خورد نمود.  
به نظر ما همانطور که بارها متذکر شده ایم این گونه سهل انگاریها و عدم احساس  
مسئولیت باعث می شود که این خواسته های به حق و اعتراضات یجا با رخنه ی چپ نما ها  
و عوامل ضد انقلاب از یک عامل مثبت در سازندگی کشور به یک عامل منفی و تخریبی در  
خدمت بیگانگان و سلطه طلبان آمریکا و روسیه که هنوز چشم طمع به کشور ما دوخته اند  
تبدیل گردد.  
چرا دولت در مقابل گروههای انحصار طلب و عناصر خرابکار مذهبی نما که سیاست  
چوب و چماق را اتخاذ کرده اند و به بهانه حفاظت از اسلام و انقلاب اسلامی، وحشیانه  
و بدون خط کشی میان ضد انقلاب، منحرفین و توده های جوانان معترض، حمله می برند  
سکوت می کنند؟

ما قاطعانه بار دیگر اعلام می کنیم که دولت و منجمله آموزش و پرورش و استانداری  
گیلان باید سریعاً برای این جوانان بیگار با برنامه های ضربتی کار ایجاد نمایند و نگذارند  
بیش از این اوضاع به سمت هرج و مرج حرکت کند. در ضمن ما از دیپلمه ها و فارغ التحصیلان  
بیگار می خواهیم که بر روی خواسته های عادلانه شان یا فشاری نمایند، شیوه ها و سبک کار  
درست را اتخاذ کنند و با در پیش گرفتن سیاست اتحاد بزرگ ملی از هر آنچه باعث  
اغتشاش، تفرقه افکنی و سوء استفاده اخلاک گران می شود، با هوشیاری انقلابی پرهیز کنند.

## ● سازمان انقلابی - بخش گیلان

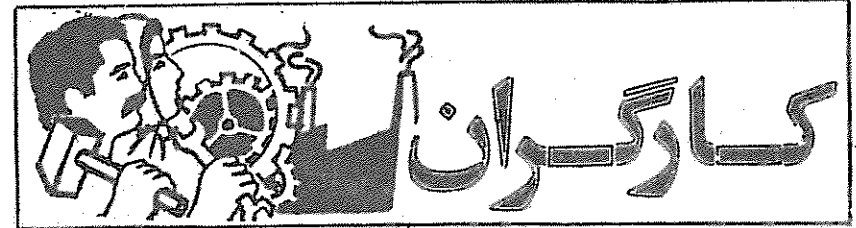
۵۸/۷/۲۵

تلاش این دار و دسته را برای کشاندن  
کشور ما به سوی وابستگی به امپریالیسم روسیه  
را می توان در راه حلی که برای مهار کردن  
بیگاری ارائه می دهد به خوبی مشاهده کرد.  
"برای آنکه هرگز دیگر صنایع بوضعیت  
امروزی خود دچار نشود باید در نخستین  
گام صنایع کشور را از وابستگی به امپریالیسم  
نجات داد و راه آن ایجاد مناسبات برابر  
اقتصادی با آن کشورهاست" است که حاضرند  
مواد اولیه و واسطه های و قطعات یدکی را بدون  
تحویل شرایط سیاسی و تبعیض اقتصادی،  
به بهانه عادلانه در اختیار صنایع ما قرار  
دهند. ("مردم"، شماره ۶۱، سه شنبه  
۱۷ مهر).

روزنامه "مردم"، شماره ۶۸،  
چهارشنبه ۲۵ مهر، مجدداً سؤال می کند:  
"آیا در جهان کنونی فقط کشورهای  
امپریالیستی هستند که علیرغم همه کار  
شکنی ها، باید همچنان طرف بازرگانی  
نا برابر با ما باشند؟ آیا کشورهای دیگری  
نیستند که بتوان در شرایط برابری کامل و  
بدون تحمیل شرایط با آنان مبادله و بازرگانی  
کرد؟"

چنانکه می بینیم دار و دسته کیانوری،  
استقلال اقتصادی کشور را در بالا بردن  
تولید ملی بر اساس اتکا به نیروی خود  
نمی بینند، بلکه آن را در تغییر رابطه ی  
"مبادله و بازرگانی" و عوض کردن "طرف  
معامله" از غرب به شرق خلاصه می کنند.  
یعنی به صرف اینکه ما احتیاجات اولیه خود

بالا بردن تولید ملی با اتکا به نیروی خود  
یا عوض کردن طرف معامله؟



# کارگران

از کارگران

مجتمع صنایع فولاد اهواز دفاع کنیم

آقای کلانتر، رئیس شورای اسلامی کارکنان

به ضرب چاقو مضروب شده است

کارگران کارخانه ذوب در مجتمع صنایع فولاد اهواز بعد از هفته‌ها مقاومت و مبارزه در مقابل مخالفت‌های رئیس کارخانه نسبت به خواست‌های بحق آنها مورد حمله چماق بدستان رئیس کارخانه قرار گرفته و رئیس "شورای اسلامی کارگران" بنام آقای کلانتر با ضربات چاقو مجروح شده است.

کارخانه ذوب "مجتمع فولاد اهواز" در ۱ کیلومتری اهواز بین راه خرمشهر اهواز قرار دارد. در این کارخانه که شمش آهن تولید میکند بالغ بر ۴۰۰ کارگر که اکثریت آنها از ملیت عرب میباشند، کار میکنند.

این کارگران که در دوره جنبش‌های مردمی و مرحله انقلاب به سهم خود در مبارزات شرکت نموده‌اند در سخت‌ترین شرایط کار و آب و هوای آلوده و در زیر ۱۷۰۰-۱۶۰۰ درجه کوره حرارتی به کار مشغولند. این کارگران پس از پیروزی انقلاب با اینکه با کمبود مهندس و متخصص و دیگر امکانات کارگری روبرو بوده‌اند ولی مستقلاً شروع به تولید نموده و چرخهای کارخانه را بحرکت درآورده‌اند. در حال حاضر هم کارخانه کلاً در دست کارگران است و بدون وقفه تولید میکند.

برطبق گزارش خبرنگار رنجبر از اهواز، رئیس کارخانه ذوب برای منحل کردن "شورای اسلامی کارگران" این کارخانه که تنها نماینده واقعی آن میباشند، با ایجاد تفرقه بین کارگران عده‌ای را تحریک کرده و آنها را به نمایندگان کارگران حمله کرده‌اند. در جریان این حمله آقای کلانتر رئیس شورای اسلامی کارگران با چاقو مضروب میشود.

از طرف دیگر یکی از پاسداران که برای رسیدگی و ایجاد امنیت وارد کارخانه میشود با جملات توهین آمیز رئیس کارخانه روبرو

بکار می‌گمارد. و برای ایجاد یک "شورای هماهنگی" جدید که زیر نفوذ وی باشد، این عده را برعلیه "شورا" تحریک میکند. کارگران تصمیم میگیرند که از ورود طرفداران رئیس کارخانه به کارخانه جلوگیری نمایند. در نتیجه مورد خشم او قرار گرفته و بدستور وی نمایندگان کارگران را در ساعت ۲ بامداد از خانه‌هایشان دستگیر نموده و به زندان میبرند.

رئیس کارخانه برای اینکه مانع آمدن کارگران شده و کارخانه را تعطیل نماید، سوپر ماشینهای سرویس کارخانه را از راننده‌ها میگیرد. اما کارگران به هر وسیله‌ای که شده خود را به کارخانه میرسانند و خواستار آزاد شدن نمایندگان خود میشوند.

به گفته کارگران، رئیس کارخانه تاکنون ۲ بار در جهت انحلال "شورای اسلامی کارگران" اقدام کرده است ولی بالاخره کارگران برای بار سوم در نتیجه کوشش و مبارزه سخت موفق به تشکیل این شورا شده‌اند.

### خواست‌های کارگران

- ۱- برکناری رئیس کارخانه
- ۲- مسکن یا وام مسکن
- ۳- حق سختی شرایط کار که به کارخانجات تولیدی تعلق میگیرد.
- ۴- دادن حکمهای ترفیعی و تشبیتی آنها که عقب افتاده است.
- ۵- وام ضروری برای خرید وسائل خانه. (در گذشته هم فرمهای مخصوص این وام را پر کرده‌اند ولی تاکنون جوابی داده نشده است.)
- ۶- ایجاد فروشگاه تعاونی در سطح کارخانه
- ۷- پرداخت ۷۵۰ تومان اضافه حقوق

## به خواست روزنامه‌فروشان اهواز توجه کنید

در ساعات آخری که صفحات "رنجبر" بسته میشد خبری از طرف هیئت مدیره "اتحادیه روزنامه‌فروشان اهواز" دریافت داشتیم که کلیه روزنامه‌فروشان اهواز در تاریخ ۳۰ مهرماه بعلت عدم رسیدگی به خواست‌هایشان از طرف موسسه‌های کیهان و اطلاعات تصمیم

به خودداری از فروش این روزنامه‌ها گرفته‌اند. هیئت مدیره اتحادیه بنمایندگی از طرف روزنامه‌فروشان اهواز اعلام کرده: "ما روزنامه‌فروشان اعتصاب کردیم که تا اطلاع ثانوی از فروش کیهان و اطلاعات و سایر نشریات که متعلق باین موسسات

### مغازهداران کومانشاه

## قبل از خراب کردن مغازه‌ها

### فکری بحال ما بکنید

خبر نگار رنجبر با بعضی از مغازه‌داران کرمانشاه به دنبال درگیریها و مشکلاتشان با شهرداری صحبت کرده و گزارش زیر را تهیه نموده است:

کاسب‌ها و مغازه‌داران مسیر خیابان مصوری (کرمانشاه) مدت نسبتاً مدیدی است که درگیر و در تلاش جهت حفظ محل کسب خود و جلوگیری از خراب کردن آن توسط شهرداری هستند.

مسئله از این قرار است که در زمان رژیم سابق به آنها ابلاغ می‌شود که به علت تنگ بودن خیابان، شهرداری مجبور است که مغازه‌های مسیر خیابان را جهت عریض کردن خیابان خراب کند و بهر کدام بابت خسارت مبلغ ۳۰ هزار تومان بپردازد. این مسئله با مبارزه مغازه‌داران شریف و مبارز مسیر خیابان مصوری با شهرداری وقت در زمان طاغوت مسکوت ماند. اخیراً دو باره به آنها ابلاغیه‌ای داده شده که باز قضیه خراب کردن مغازه‌های مسیر خیابان را مطرح کرده است.

با چند تن از آنها به صحبت نشستیم آنها جریان را این طور شرح دادند: آقا در زمان رژیم طاغوت قرار بود مغازه‌های ما را خراب کنند ما چون میدانستیم کلیه اقدامات دستگاه‌های رژیم سابق ظالمانه و در جهت تعدی به مستضعفین است دست به مبارزه زدیم و مقاومت کردیم. شکایت پشت شکایت نوشتیم. به شهرداری رفتیم و تحصن کردیم. به خودشهرداری وقت پرخاش کردیم. در تمام این موارد مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتیم. به انجمن شهر

انجمن شهر برای اعتراض رفته بودیم من رو به حاج آقا کردم و گفتم حاج آقا شما چطور مغازه خودتان که از مال ما کوچکتر و نسبتاً در محله بدتری قرار گرفته با آن قیمت میدهی و انتظار داری ما بابت مغازه‌هایمان فقط ۳۰ هزار تومان بگیریم.

یکی دیگر گفت: ما حتی از سربازهای ضرام بر سر این مطلب کتک هم خوردیم اما بالاخره مقاومت کردیم.

می‌پرسم اما حالا می‌دانید که بعد از انقلاب است و رژیم و دستگاه‌هایش مردمی هستند. آقای احمد شاهی که مغازه کتاب فروشی دارد به میان حرقم دوید و گفت: بله آقا ما همگی در انقلاب سهمی داشتیم من خودم در حالی که روبروی مغازه‌ام پر بود از افراد مسلح ارتش و شهربانی اعلامیه‌های ضد طاغوت را بوسیله دستگاه فتوکپی تکثیر می‌کردم.

روزی در مغازه بغلی که آرایشگاه است صاحب مغازه با عده‌ای از مشتریان مشغول بحث بر سر اوضاع و رهنمودهای امام خمینی بود که پاسانها ریختند همه را وحشیانه کتک زدند و مغازه را بهم ریختند. گذشته از اینها همه ما در اعتصابها و راهپیمائیها شرکت داشتیم. حالا هم به انقلاب ایمان داریم رهبری امام خمینی را قبول داریم و همچنین دولت آقای بازرگان را و در ضمن به این امر آگاه هستیم که باید سازندگی بشود آبادی بشود و ما هم باید کمک کنیم.

گفتم خوب پس مسئله بر سر چیست؟ گفت: هر ما انتظار ندا، نم شده، دای،

هستند خودداری نموده و تا موقعیکه بتوانیم حقوق از دست رفته خود را از این موسسات بگیریم از فروش این روزنامه‌ها خودداری خواهیم کرد.

نماینده روزنامه‌فروشان در مورد خواست‌های آنها اعلام کرد: "با توجه به اینکه میزهای روزنامه‌فروشی را باقیمت گزافی حدود ۵-۵ هزار تومان فروخته‌اند حالا لامیخواهند این میزها را از ما بگیرند و تحت نام اینکها این میزها اشغالی شده و با ید بیرون بیاندازیم و دیگر شما حق ندارید استفا ده بکنید. دیگر اینکه بما کمترین مقدار درصدی که روزنامه‌فروشان تهران دریافت میکنند میپردازند و مقدار پولی که بقیه در صفحه ۵

## نامه کارگران کارخانه

### اتحاد کارگران

بسمه تعالی

رونوشت به:

- دفتر امداد امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران
- وزیر کار و امور اجتماعی
- استانداری محترم مازندران
- فرمانداری گرگان
- اداره صنایع و معادن استان مازندران
- اداره کار و امور اجتماعی

محترماً اینجانبان امضاء کنندگان زیر، کارگران و کارکنان کارخانه پنبه پاک کنی اتحاد کارگران به استحضار عالی میرساند، کارخانه مزبور که در سال ۱۳۴۱ تاسیس شده تا سال ۱۳۵۶ مرتباً کار میکرده و در سال ۵۷ که انقلاب اسلامی ایران به اوج خود میرسید بعد از ۱۴ روز بکلی وسیله مالکین آن آقایان فرهاد وثقی، حاج علی اصغر لطیفی و حاج مطلب فلسفی، بطور کلی تعطیل گردیده و ۱۰ نفر کارگران و کارکنان ثابت این کارخانه را سرگردان و بلا تکلیف گذاشته و از طرفی با این عمل ضد انقلابی خود

از طرف دیگر یکی از یاسداران که برای رسیدگی و ایجاد امنیت وارد کارخانه میشود با جملات توهین آمیز رئیس کارخانه روبرو گردیده است. رئیس کارخانه با جمع کردن ۱۵- نفر بدور خود سعی در سرکوب کارگران نموده و در ضد است با ایجاد ترس و وحشت آنها را از تشکیل شورا و دفاع کردن از خواستههای خود باز دارد.

### توطئه‌های رئیس کارخانه در گذشته

به گفته کارگران رئیس کارخانه در چند ماه گذشته برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و منحل کردن " شورای اسلامی کارگران " ۲۰-۱۵ نفر از طرفداران خود را در کارخانه

- ۶- ایجاد فروشگاه تعاونی در سطح کارخانه
- ۷- پرداخت ۷۵۰ تومان اضافه حقوق
- ۸- دادن ترفیخ در زیر نظر مستقیم سرپرست قسمت و نه زیر نظر ریاست کارخانه.

### پیام کارگران

اتحاد تولید و مبارزه با امپریالیست‌ها بویژه آمریکا و روسیه و ایادی داخلی آنها و حمایت و پشتیبانی از رهبران انقلاب امام خمینی تا پیروزی نهائی و تحکیم جمهوری اسلامی میباشد.

از طرف کارکنان کارخانه ذوب شماره ۱ مجتمع فولاد اهواز

# کارکنان تهران کمیکال شورای خود را انتخاب کردند

این کارخانه مستقر هستند بنویسند و یک رو نوشت آن را در مقابل درب خروجی کارخانه نصب می‌کنند. هنگام اتمام کار و خروج یکی از کارکنان نامه را برای دیگران قرائت می‌کند و چند مورد خواسته شده مورد موافقت دو باره کارکنان قرار می‌گیرد.

روز بعد یعنی ۵۸/۷/۲۵ مسئولین کارخانه یکی از نمایندگان شورا را خواسته‌از وی یک نسخه از نامه را می‌خواهند که نماینده مذکور می‌گوید نامه فقط برای مسئول دولت به دفتر مرکزی فرستاده شد. که گویا به آقایان مسئولین ...! بر می‌خورد که به عنوان اعتراض بلا فاصله محوطه کارخانه را ترک می‌کنند.

پس از رفتن مسئولین، کارکنان شرکت بهتر از همیشه با نظم انقلابی به قسمت‌های خود رفتند و منتظر راه اندازی کارخانه هستند.

ما از دولت موقت و مسئولین صنایع و معادن می‌خواهیم که هر چه زودتر بخواسته کلیه کارکنان شرکت تهران کمیکال رسیدگی کرده و در براه اندازی این کارخانه که یکی از صنایع مفید برای تولید دیگر صنایع می باشد اقدام جدیتری به عمل آورد.

ما آرزوی موفقیت برای کارکنان این کارخانه را داشته و اطمینان داریم تا زمانی که کارگران زحمتکش خود مستقیماً در تعیین سرنوشت اقتصادی - سیاسی و مبارزاتی خود شرکت می‌کنند، از پیروزی و موفقیت بر خوددار خواهند بود.

از دو ماه قبل کارکنان شرکت تهران کمیکال دست به کار ایجاد شورا می‌شوند که با مخالفت مسئولین کارخانه روبرو می‌گردند. ولی به هر جهت در روز ۵۸/۷/۱۴ جلسه عمومی کارخانه با اجتماع تمامی کارکنان انتخابات خود را برگزار کرد و در همان روز پنج تن از کارکنان شرکت برای شورا انتخاب شدند.

لازم به یاد آوری است که انتخابات فوق این بار از طرف نمایندگان دولت که مدیریت کل گروه صنعتی بهشهر را به عهده گرفته‌اند مورد تأیید و موافقت قرار گرفت. و دیگر جایی برای مخالفت مسئولین کارخانه نبود.

اما حدود ده روز که از تشکیل شورا می‌گذشت، مذاکراتی بین نمایندگان شورا و مسئولین کارخانه انجام شد که می‌توان چند نمونه از خواسته‌ها را توضیح داد:

بازگشت کارکنان اخراجی شرکت به سرکارهای خود (در مورد این تعداد از کارکنان و علت اخراجشان در رنجبر شماره ۱۱ توضیح داده شد).

هماهنگ شدن مسئولین با شورا در جهت بهبود و راه اندازی کارخانه.

در خواست آمدن یک نماینده از طرف دولت به کارخانه. و چندین خواسته دیگر. اما چون قدم مثبتی از طرف مسئولین در این مورد برداشته نشد، نمایندگان تصمیم می‌گیرند یک نامه به نمایندگان وزارت صنایع و معادن که از طرف دولت در دفتر مرکزی

رسمی و سمن کردیم. در تمام این موارد مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتیم. به انجمن شهر ساختگی آن زمان رفتیم و به آنها اعتراض کردیم. آنها جواب دادند: خوب ۳۰ هزار تومان بگیرد و بروید بی کارتان.

یکی دیگر از آنها ماجرائی را برایم تعریف کرد. بدین قرار: یکی از اعضای انجمن شهر آن موقع خودش از سرمایه‌داران وابسته به رژیم سابق است. روزی من به مغازه او مراجعه کردم و گفتم حاج آقا من طالب یکی از مغازه‌های خالی تو هستم که او در جواب گفت ۲۰۰ هزار تومان سر قفلی و ماهیانه ۱۵۰۰ تومان. بعدا که به جلسه

این یکی از کارخانه‌هاییست که ظاهراً بعلت اختلاف سهامداران بحالت تعطیل درآمده و کارگران این کارخانه خواهان بازگشائی آن میباشند. چراکه بقول خودشان آنها اینروزها در کارخانه مانند زندانی هستند که از نیروی تخصصی آنها استفاده نمیشود.

از این نوع کارخانه در گرگان زیادند که بعنوان مختلف کارخانه‌ها تعطیل کرده‌اند و هیچ گونه پنبه‌ای را تحویل نمی‌گیرند. درحالی‌که همین سهامداران که از زمینداران بزرگ گرگان هستند، پنبه‌های خود را جهت تصفیه به جاهای دیگر می‌برند و اینها حتی از لحاظ پولی هم به هیچ وجه در مضیفه نیستند.

سه سهامداری که در این کارخانه سهم دارند "فرهادواقفی"، "حاج اصغر لطیفی" و "حاج مطلب فلسفی" میباشند که کارگران مقصر اصلی تعطیل شدن کارخانه را "حاج مطلب فلسفی" میدانند و دو سهامدار دیگر هم سعی کردند پای او را در میان بکشند. ولی همانطوریکه گفتیم این ظاهر قضیه است. زیرا آنها اگر واقعا "میخواهند کارخانه باز شود و آنها نمیتوانند بگردانند، می‌توانند کارخانه را اجاره دهند، میتوانند به دولت واگذار نمایند و این چیزی است که خود کارگران هم میخواهند.

این کارخانه در سال ۱۳۴۱ تاسیس شد که میتواند ۱۵ الی ۱۸ هزار عدل پنبه بیرون دهد. حدود ۶۰ کارگر متخصص و غیرمتخصص ثابت و فصلی در این کارخانه کار میکنند که هم‌اکنون فقط ۱۰ نفر در کارخانه مانده و بقیه بیگار شده‌اند.

گفتم خوب پس مسئله بر سر چیست؟ گفت: ولی ما انتظار نداریم شهرداری که طبق رهنمود امام باید حامی مستضعفان باشد راضی شود ما بیچاره شویم. ببینید آقا من خودم ۲۲ سال است که روی این مغازه زحمت کشیده‌ام و هر کدام از مغازه داران دیگر به نسبت سالیانی از عمر خودشان را صرف کسب خودشان کرده‌اند. علاوه بر این همه ما هر یک چند سر عائله داریم. با ۳۰ هزار تومانی که شهرداری می‌خواهد بدهد حتی در بیابان هم نمی‌شود مغازه‌باز کرد.

صفحه چهارم

تأیید این کارخانه را سرگردان و بلامنتهیف گذاشته و از طرفی با این عمل ضد انقلابی خود علاوه بر اینکه به اقتصاد مملکت لطمه شدیدی وارد کرده‌اند، عمل آنها مغایر با اصول انقلاب مقدس اسلامی ایران و فرمان امام خمینی رهبران انقلاب است. زیرا تعطیل یک واحد اقتصادی و تولیدی در شرایط فعلی که همه باید در جهت سازندگی شرکت داشته باشند، برخلاف موازین شرعی و قانونی است.

منظور آنها از تعطیل کارخانه برای ما روشن نیست. جز اینکه میخواهند به اقتصاد مملکت لطمه وارد نمایند. چون نه راضی به صفحه چهارم

## خواست کارگران کارخانه پنبه پاک کنی اتحاد گرگان: راه انداختن کارخانه - پرداخت حقوق عقب افتاده

نکردند. کارخانه‌ای که پنبه را بقیمت گران می‌خرد و قبل از بوجود آمدن کارخانه‌های مدرن از نظر مرغوبیت جلوتر از کارخانه‌های دیگر بود، حالا عقب افتاده ... و طوری شده که خود سهامداران پنبه‌هایشان را در جاهای دیگر تصفیه میکنند ... الان ۴ ماه هست که حقوق نگرفته‌ایم. هر وقت خواستهایم حقوق بگیریم بسه حجره این اربابها مراجعه می‌کردیم گردن کج می‌کردیم تا بتوانیم حقوق بگیریم ...

در واقع خواسته‌های اساسی کارگران دو مسئله است که باید کارفرمایان جواب دهند ۱- بازگشائی کارخانه جهت بکار افتادن یکی از چرخهای اقتصادی مملکت که مسئله بی‌کاری این کارگران را حل خواهد نمود. ۲- پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران.

از طرفی کارفرمایان با صحنه سازی‌های مختلف منجمله اینکه "ما میان خود اختلاف داریم"، سعی کرده‌اند از خواسته‌های کارگران طفره ببرند. چرا که همین سهامداران در زمان طاغوت بدون هیچگونه اختلافی بدون اینکه یک ساعت کار را تعطیل کنند و به هر طریقی بود، تولید می‌کردند.

کارگران عزیزمان هم سعی کنند هیچوقت اتحاد خود را از دست ندهند. جایی که با هم اختلاف دارند، به کمک همدیگر رفع کنند و زبان مشترک میان همدیگر بوجود آورند. سعی کنند همه یک چیز را بگویند و در همه جا منافع یکدیگر را حفظ کنند.

بخاطر آشنائی بیشتر با وضع کارخانه ما با کارگران به گفتگو نشستیم که در زیر می‌خوانید:

رمضانعلی احمدی - (سرپرست پرس با سابقه ۱۸ سال کار): "من با ۲۵۰ تومن حقوق در این کارخانه شروع بکار کردم که بعداً بطلت قانون سهم شدن کارگران، حقوق کم شد و به ۱۸۰ تومن رسید. چون حقوق کم بود مجبور بودم زمین زراعتی کمی که داشتم بفروشم تا اینکه دوباره به ۲۵۰ تومن رسید. بالاخره در زمان انقلاب کارخانه بعلت اختلاف بین کارفرماها تعطیل گردید. بارها در مورد کمبود لوازم یدکی کارخانه تذکره داده‌ایم ولی کسی گوش نمی‌کرد. بارها در مورد نپرداختن دستمزدها شکایت کرده‌ایم و پرونده‌ها هم‌اکنون در اداره کار موجود است. حالا مقصر اصلی حاج مطلب فلسفی می‌باشد که از پرداختن پول برای کارخانه خودداری میکند. حالا هر سه کارفرماها پنبه‌های خود را جهت تصفیه به جاهای دیگر می‌برند. الان ۳ ماه هست که حقوق نگرفته‌ایم. حتی ما به التفاوتی را هم که اخیراً دولت برای کارگران تعیین کرده هنوز پرداخت نشده. شما باید باور کنید که ما هنوز کارفرما را ندیده‌ایم. بما به اصطلاح خانه‌های سازمانی داده‌اند که تمام تعمیرات آنرا خودمان انجام میدهم ..."

حسین زکی زاده (۱۳ سال سابقه کار - مکانیک): "بارها در مورد تعویض لوازم کارخانه به اربابها گوشزد نموده‌ایم. کمیانی پیشنهاد کرده بود که اره‌ها و شمشیرک و لنت کلیتر را باید عوض کنیم ولی آنها گوش

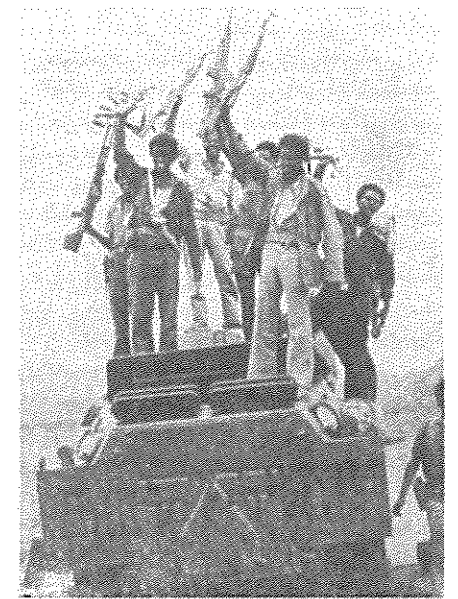


مصاحبه با

# نماینده جنبش آزادپخش خلق اریتره (۲) ★

ادامه مصاحبه خبرنگار رنجبر با رفیق "عمد میکائیل کاهای" مسئول روابط خارجی "جبهه آزادپخش خلق اریتره" در اروپا. س- در مورد وضع رژیم کودتا و برنامه های او علیه جنبش خلق اریتره توضیح دهید. ج- در مورد وضع رژیم در اتیوپی میتوان گفت که سیاست رژیم کنونی فرقی با رژیم هایلاسلاسی در اریتره ندارد. موضع این رژیم نفی حق تعیین سرنوشت خلق اریتره است. همانطور که حق تعیین سرنوشت تمام خلقهای دیگر موجود در اریتره را نفی میکند. ابتدا در ۱۹۷۴ هنگامیکه این رژیم به قدرت رسید، اظهار داشت که در نظر دارد مسئله اریتره را از طریق مسالمت آمیز حل کند. ارزیابی ما همان زمان این بود که رژیم تحت این شعار سعی دارد خود را تقویت کند تا بتواند بعداً "مساله را از طریق نظامی حل کند. و در عمل از سال ۱۹۷۵ تاکنون هر بار که رژیم خود را از نظر نظامی قوی احساس می کند، دست به تهاجم میزند. سیاستی که این رژیم در اریتره جلو میبرد همان سیاستی است که تمام دولت های استعمارگر جلو برده اند. یعنی سیاست "زمین سوخته" که آمریکائی ها در ویتنام و پرتغالی ها در موزامبیک، آنگولا، گینه بیسائو بکار بردند. موقعیت ویژه اریتره اینست که جهان نسبت به آنچه که در این کشور اتفاق می افتد یا چیزی نمی داند و یا خود را به نادانی میزند.

بیشماری را با خاک یکسان کرد. با این عمل تعداد هر چه بیشتری از مردم مجبور به پناهنه آوردن به مناطق آزاد شده و مهاجرت به سودان شدند و از آن زمان تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر به سودان گریخته اند که تعداد کل پناهندگان هم اکنون در مجموع به ۳۰۰ هزار نفر رسیده است. به این آوارگان هیچ کمکی نمیرسد، تمام سازمانهای باصطلاح "بشر دوست" بهانه های مختلفی برای کمک ندادن به این پناهندگان می آورند. با تهاجم سال ۱۹۷۸، رژیم کنونی سیاست جدیدی را بکار گرفت و آن اینست که سعی نمود با کسب برتری نظامی، پیروزی سیاسی بدست آورد. در ابتدا سعی مینمود در مناطقی که ما پایه توده های داشتیم بگوید که "جبهه آزادپخش ... یک سازمان مترقی است و رژیم اتیوپی نیز یک رژیم مترقی است و تنها اختلافات ما با آنها در



که اظهار میدارد در اتیوپی اصلاحات ارضی کرده، و در اریتره زمین را باید بدهقانان داد و نباید آن را از دهقانان گرفت، عملاً تمام زمینهای را که قبلاً "ما از فئودالها و سرمایه داران وابسته اتیوپی و خارجی گرفته بودیم و آنها را تقسیم کرده و یا کثویراتیو بوجود آورده بودیم توسط رژیم کودتای اتیوپی گرفته شد و محصولات جمع آوری شده توسط کثویراتیوها نیز توسط رژیم ضبط گردید.

برای مثال یکی از کارهای مهم ایجاد "شوراهای مردمی" بود که برای اولین بار زنان بطور وسیع در آنها، چه در شوراهای دهکده و چه شوراهای نظامی شرکت میکردند. در بعضی نقاط بخصوص مناطق اطراف "آفابت" که مردم آنجا تقریباً "تماماً" مسلمانند، رژیم تحت پوشش دفاع از سنت و فرهنگ منطقه، زنان را از شرکت در این شوراهای مردمی و شوراهای نظامی منع کرده است.

در مورد همکاری رژیم هایلاسلاسی که همواره روابط خود را، حتی در زمانی که "جبهه" این مناطق را تحت کنترل داشت، با مسئولین و افراد نظامی که در شهرها و "اسمره" حضور داشتند، حفظ کرده بودند، این ها را جانشین کمیته های دهکده هاییکه بطور دموکراتیک توسط مردم محل انتخاب شده بودند کرده. این نشان دهنده ماهیت رژیم است.

رژیم تمام این اعمال را برای از بین بردن پایگاه های سیاسی جبهه و تفرقه بین مردم انجام میدهد.

نکته ای که بسیار مهم است اینست که رژیم بنا به توصیه اسرائیلی ها که یک کوماندوی پنج هزار نفره از سال ۱۹۶۲ به بعد ایجاد کرده بودند تا اریتره های را بر علیه اریتره های ها وارد جنگ کنند، دستور داده که از تمام دهکده ها ۲۰ جوان را برای این ارتش شبه نظامی معرفی کنند تا این ارتش متشکل از اریتره های ها بر علیه اریتره های ها بجنگند. میتوانیم بگوئیم که تمام این کوشش ها با شکست مواجه شده است.

کوشش آنها در ایجاد این "کوماندو" و یا "کمیته های قلابی" بعد از یک کارزار سیاسی و قدمهای نظامی که برداشتیم وعده زیادی از آنها به سزای اعمالشان رسیدند، با شکست مواجه شد و این کمیته ها دیگر کاری از پیش نمی برند.

در سطح بین المللی رژیم اتیوپی فعالیت شدیدی را برای گمراه کردن افکار عمومی به پیش میبرد. او میخواهد نشان دهد که در حال حل مساله از طریق، مسالمت آمیز است. ولی اکنون بوضوح اعلام می کند که راه حل

## اخباری از افغانستان

همچنین طبق اخباری که از محافل جنبش افغانستان رسیده در زد و خورد های مختلف در چند روز گذشته ۱۵۰ افسر و سرباز دولت دست نشاندهی افغان کشته شدند.

طبق گزارش، گزارشگر "حرکت اسلامی افغانستان" از هرات، در تاریخ ۱۷ و ۱۸ مهر گروهی از مجاهدین حرکت اسلامی افغانستان بفرماندهی فضل احمد و خواجه محمد علی در منطقه "زنده جان" واقع در سی کیلومتری غرب هرات در یک حمله شدید، نیروهای دولت امین را شکست داده و تلفات سنگینی بر آنها وارد ساختند.

در این حمله تعداد ۳۲ قبضه تفنگ ۶ تیر و کلاشینکف و مقداری مهمات به دست مبارزین حرکت اسلامی افتاد. و تعداد ۳۵ نفر از سرسپردگان رژیم امین تسلیم مبارزین شده و تعداد ۱۲۰ نفر از اعضای حزب باصطلاح خلق را دستگیر نمودند که فعلاً در دادگاه مجاهدین میباشند. همچنین تعداد ۷ ساختمان مربوط به اعضای حزب حاکمه "خلق" بعد از مصادره اموال آن به آتش کشیده شد.

هم اکنون این منطقه در دست مجاهدین حرکت اسلامی افغانستان میباشد. (دفتر خبر حرکت اسلامی افغانستان - شعبه تهران).

جنبش خلق رزمنده افغانستان در اوج خود به خاطر استقلال کشور همچنان به پیش می تازد و دسیسه های امپریالیسم روس و عروسک دست نشانده اش حفیظ الله امین را یکی پس از دیگری خنثی می کند.

طبق خبر دفتر جمعیت اسلامی افغانستان "در تهران، در زد و خورد شدید شبانه ای که در تاریخ ۲۴/۷/۵۸ به فرماندهی عبدالرئوف معلم، یکی از رزمندگان این جمعیت در شهرستان شکیبان در استان هرات با مزدوران رژیم دست نشانده حفیظ الله امین رخ داد، حدود ۳۱۰۰ فاشنگ، ۳۸ عدد کلاشینکف ۱۱ و ۵ تیر به غنیمت گرفته شد و ۴۸ نفر از طرفداران رژیم دستگیر شدند که هم اکنون در دادگاههای انقلابی منتظر سرنوشت سیاه خود هستند.

همچنین یک نفر از طرفداران معروف رژیم مزدور به نام (پلنگ خلقی) به دست مجاهدین کشته و دفتر حزب به اصطلاح خلق از طرف مجاهدین جمعیت به آتش کشیده شد.

طبق اخباری که از طرف خبر گزاریهای جهان مخایره شده هواپیماهای روسی ارتش افغانستان به خاک پاکستان در بخش کوران تجاوز نموده و دهکده های اطراف این شهر را بمباران کرده اند.

در این شهر و اطراف آن ۳۰۰/۰۰۰ افغانی آواره زندگی می کنند.

### ● انحصار طلبی ...

جهانی اول امپریالیستها، برای مقابله، نهضت های ضد استعماری ملل شرق و بمنظور ایجاد شکاف در صفوف اسلام مبارز، از طریق عمال خود در صدد احیای پان عرب ایسم، پان ترک ایسم و پان ایران ایسم در خاور میانه برآمدند. در این رابطه تبلیغات ضد عربی و ضد اسلامی بهم آمیخت و دست اندر کاران امور فرهنگی بتدریج تصویری از مظاهرا برانیت در اذهان نشان دادند که به دوران قبل از اسلام محدود می شد. جعل تاریخ، اختراع لغات "فرهنگستانی"، تبلیغات وسیع از طریق کتب درسی، مطبوعات و رادیو فقط چند چشمه از شگردها و ظرافت دوران سلطنت رضا خانی است. درحقیقت این سیاست ضد اسلامی و ضد عربی پدر بود که زمینه را برای نفوذ همه جانبه فرهنگ منحط امپریالیستی در دوران سلطنت پسر آماده کرد.

کاذب رژیم گذشته، انحرافات قابل تصحیح هستند. باید به توده ها توضیح داد که هر نمود ملی غیر اسلامی الزاماً ضد اسلامی نیست و گناه خیانت رهبران حزب توده را نباید پای سوسیالیسم انقلابی نوشت. ابتکارات انحصار طلبانه فردی، با الهام از اقدامات فرهنگی انحصار طلبانه رسمی، در هر صورت مضر است و در صفوف متحد خلق شکاف ایجاد میکند. برخی از این ابتکارات فردی محیط نسبتاً محدودی را رنجیده خاطر می نماید. مانند مورد خواهر دبیری که در کلاس درس دبیرستان انوشیروان دادگر (تنها دبیرستان دخترانه زرتشتی تهران) عنوان میکند که: " جشن سده تبلیغ آتش پرستی است، در نتیجه باید مطرود گردد!" برخی دیگر از ابتکارات انحصار طلبانه فردی بخش وسیعی از نیروهای طرفدار استقلال ایران را میرنجانند، مانند مورد نماینده معمم مجلس خبرگان که در رابطه با تدریس زبان عربی میگوید: " مگر نه اینکه در کشورهای مستعمره بچه ها از

مجبور به مهاجرت، چه به اتیوپی و چه کشور های مجاور کند. مدارس را بست تا جوانان برای تحصیل به خارج و یا اتیوپی بروند، تا بدین طریق جنبش مقاومت را از طریق دور کردن نیروهای مبارز و یا نیروهایی که می توانند به مبارزه کشیده شوند تضعیف نماید. با رشد جنبش مقاومت و افزایش عملیات نظامی از طرف جبهه آزادیبخش، رژیم هابلسلاسی، یک استراتژی را که عبارت بود از ایجاد "دهکده های استراتژیک هاملت" مانند ویتنام، بکار گرفت و از طرف دیگر با سوزاندن صدها دهکده در دشت های غربی و شرقی، برای اولین بار حدود ۷۰ هزار نفر را به سمت سودان فراری داد.

از ۱۹۷۵ وضع وخیم تر شد، رژیم در داخل، بویژه در شهرها شروع به از بین بردن جوانان بخصوص از نظر جسمانی کرد. در عرض دو ماه در سال ۱۹۷۵، بیش از سه هزار نفر از جوانان را در "اسره" کشت و یا از طریق بمباران های وسیع، دهکده های

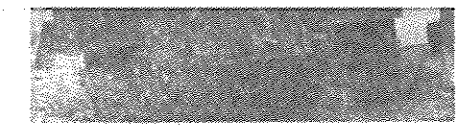
### نامه کارگران

فروش کارخانه و نه اجاره دادن آنها هستند. با وجود اینکه خریدار برای خریدن و مستاجر جهت اجاره مراجعه کرده، همه را جواب ندهند و حتی پنبه های را که برای تصفیه عرضه میکنند، قبول نمی نمایند. ما کارکنان که وابسته به کارخانه هستیم بی نهایت در مضیقه قرار گرفته و علاوه بر اینکه چند ماه است حقوق ما را پرداخت نکرده اند از سال ۱۳۵۶ تاکنون سود ویژه و سایر مزایای ما

### منازه داران کرمانشاه

گفتم پس چقدر می خواهید؟ گفت: ما پولی نمی خواهیم. ما می دانیم وضع بودجه دولت و مخصوصا بودجه شهرداری کرمانشاه خوب نیست. اما آقا پشت مغازه های ما زمین خالی است از آن گذشته در همین مسیر خیابان چندین قواره زمین "موات شهری" است و همچنین چند ساختمان مخروبه و یک کودکستان بسا حیاط بزرگ. تقاضای ما این است که از این زمینها به ما دکان بدهند که هم ما زندگیمان از هم نپاشد و هم شهرداری متحمل هزینه زیادی نشود.

پرسیدم چرا تقاضایستان را به آقای شهردار نداده اید؟ گفت: همین تقاضا را کرده ایم. اما راستش را بخواهید در شهرداری شخصی



مورد آینده، استقلال، یا عدم استقلال اریتره است. و تمام تغییراتی که از طریق جبهه آزادیبخش... بوجود آمده است میتواند ادامه یابد. این تنها برای برخورداری از حمایت مردم بود. ما می دانستیم که این سیاست نمی تواند برای مدت طولانی دوام بیاورد و هنگامی که تناسب نیروی نظامی تغییر کند واضح بود که رژیم اتیوپی شروع به پیش بردن سیاست سرکوب خواهد نمود.

اکنون ماهیت واقعی رژیم اتیوپی روشن شده است. سیاست او علاوه بر سرکوب، نفی حقوق و از بین بردن حق تعیین سرنوشت و غیره و تخریب تمام تغییراتی است که مادر مناطق آزاد شده بوجود آورده بودیم. رژیمی

پرداخت نشده و ما هریک دارای عاقله بوده و در اثر عمل خلاف قانون مدیرعامل کارخانه حاج مطلب فلسفی و سایر شرکاء متحمل خسارات غیرقابل جبران شده ایم و تاکنون شکایات زیادی هم به اداره کار و سایر مقامات محلی گران نموده که سوابق در اداره کارگران موجود است.

لذا مراتب را عرض آن مقامات رسانیده و استدعا داریم که مالکین را تحت تعقیب قانونی قرار داده و آنها را ملزم بجرایم انداختن کارخانه نمایند و یک مشت کارکنان

است که عملا همه کاره شهرداریست. زمانی که ما تقاضایمان را مبنی بر تحویل زمین جهت احداث مغازه از زمینهای موات مسیر خیابان یا زمین های پشت مغازه هایمان دادیم، ایشان با تهدید گفتند من از پشت پرده با شما صحبت می کنم و در حالی که اسکناسی را به ما نشان می داد گفت که "هنوز این حکومت می کند" و اضافه کرد شما اگر از مغازه هایتان بیرون نروید گروه ضربت می آید و با بلدوزر مغازه ها را روی سرتان خراب می کند.

البته ما می دانیم که هیچوقت این کار انجام نخواهد گرفت به دلیل اینکه دولت و شهردار حامی مستضعفین است و ما هم از مستضعفین هستیم. و عناصری چون شخص مذکور فقط در جهت بدبین کردن مردم از دولت حرکت می کنند.

نا گفته نماند که این شخص وکیل بازماندگان مرحوم حاج مجید صاحب

حال حل مساله از طریق، مسالمت آمیز است. ولی اکنون بوضوح اعلام می کند که راه حل نظامی تنها شیوه برای حل مسئله اریتره است. این در عمل هم دیده میشود. مبارزه بر علیه دشمن هستند؟

ج - دونیرو بر علیه رژیم اتیوپی می جنگند، "جبهه آزادیبخش اریتره" و "جبهه آزادی بخش خلق اریتره". ایندو یک توافقنامه در ۲۰ اکتبر سال ۱۹۷۷ امضاء کرده اند که مفاد آن در زمینه های مختلف در حال پیاده شدن است. برنامه حداقل این توافق نامه مبارزه هر جبهه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم و بخاطر حفظ وحدت خلق و برای استقلال اریتره می باشد.

"دهکده های استراتژیک هاملت" عبارت بود از داغان نمودن دهکده های مختلف و، مجبور کردن مردم به سکنی گزیدن در اماکنی که تحت کنترل رژیم بود.

این کارخانرا از این بلاتکلیفی، سرگردانی و تنگدستی نجات بخشید.

با تقدیم احترامات شایسته از طرف کارگران کارخانه پنبه پاک کنی اتحاد کارگران

- حسین زکی زاده
- قربانعلی مودنی
- جانعلی بای
- غلامحسین استرآبادی
- صادق رکنی
- صادق امیدی
- سلیمان وثیقی
- احمد علی مردانی
- رمضانعلی احمدی
- عبدالرسول جواهری

زمینهای موات مسیر خیابان مصوری است. در خاتمه آنان خواسته های خود را چنین خلاصه کردند:

با پشتیبانی از انقلاب اسلامی و رهبر آن امام خمینی و تأیید دولت بازرگان و با آگاهی به این مطلب که دوران سازندگی است از شهردار و مقامات دولتی می خواهیم:

۱- در صورت تخریب مغازه هایمان جهت وسیع نمودن خیابان، قطعه زمینی از زمینهای بایر موجود مسیر خیابان یا زمینهایی که در حال حاضر در پشت مغازه هایمان وجود دارد به هر کدام از ما تحویل بدهند.

۲- پاکسازی اداره شهرداری از عناصری که فقط کارشان بدبین کردن مردم از انقلاب و رهبری آن و دولت است. و من با اعلام پشتیبانی از آنها و آرزوی موفقیت برایشان از آنها خدا حافظی کردم.

فرهنگ منحط امپریالیستی در دوران سلطنت پسر آمده کرد.

بدنیال انقلاب اسلامی ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مردم ایران که عمال ابرقدرت غالب را از اریکه قدرت سیاسی بزیر کشید، انتظار می رفت که نمودهای فرهنگی سه جریان اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی توأماً در اقدامات مسئولین امور منجلی گردد. متأسفانه اکثر اقدامات فرهنگی در مسیری قرار گرفته که میتوان آنرا بعنوان مخلوطی از انحصار طلبی و عکس العمل نسبت به سیاست فرهنگی "ملی گرائی" کاذب آن پدر و پسر منفور ارزیابی نمود. بعنوان مثال در تمام نامگذاریهای رسمی و نیمه رسمی، از خیابانها گرفته تا موسسات آموزشی و بیمارستانها و غیره..... نام شهدای گروههای سیاسی اسلامی مورد استفاده قرار گرفته. نام مصدق، فاطمی و تختی تنها نامهای نیست که یاد آور جریان ملی گرائی مترقی است و از نام شهدای سوسیالیسم انقلابی اصلاً اثری نیست. مگر نه اینکه شهدای سه جریان فوق همگی با رژیم گذشته مبارزه کردند و در این راه به شهادت رسیدند؟ پس چرا باید نام بعضی ها فراموش شود و نام بعضی دیگر مکرراً "مورد استفاده قرار گیرد؟ آیا بهتر نبود این نامگذاریها در رابطه با شغل، حوزه فعالیت، محل اقامت و یا هر مناسبت دیگری انتخاب می شد؟ مگر نام پارک گلرخی را که مردم برای پارک فرح سابق برگزیده بودند چه اشکالی داشت که مقامات آنرا تبدیل به پارک لاله کردند؟ بخشی از اقدامات انجام شده، در رابطه با عکس العمل نسبت به "ملی گرائی"

### جاسوس سیار...

از جمله بعد از انقلاب او در جلسهای در وزارت امور خارجه همراه ریچارد هلمز حضور داشت. «این جلسه برای آشنا کردن "گاتلر" سفیر آمریکا (که مورد پذیرش ایران قرار نگرفت) با اوضاع ایران تشکیل گردید. در جریان انقلاب ایران در مصاحبه های رادیو و تلویزیونی از "صاحب نظران" حل بحران ایران معرفی شده بود. او پیشنهاد مذاکره با مخالفان شاه منهای امام خمینی را داده بود و معتقد بوده است که باید امام خمینی را از انقلاب جدا کرد. با توجه به این حقایق وظیفه اصلی این شخص و همچنین موسسه کذائی "مطالعات ایرانی" روشن می شود. تا کنون بارها اتفاق افتاده که "سیا"

رابطه با تدریس زبان عربی میگوید: "مگر نه اینکه در کشورهای مستعمره بجهت از کلاس اول دبستان زبان انگلیسی را می آموزند، پس چه عیبی دارد که بجهت های ما هم از کلاس اول درس عربی داشته باشند؟" مجلس خبرگان را که از کانال ۲ تلویزیون پخش میشد، صاعقه زده کرد.

برای مقابله با این قبیل اقدامات و ابتکارات انحصار طلبانه فرهنگی، باید بر اقدامات مثبتی که از طرف مقامات نیمه رسمی و رسمی انجام می شود و در جهت حفظ همبستگی نیروهای مبارز خلقی است ارج نهاد. در مورد جزرگداشت شهداء میتوان به نمونه مثبتی که از طرف شورای هماهنگی دانشکده فنی دانشگاه تهران ارائه شده، اشاره کرد: این شورا بجای تغییر نام دانشکده فنی، عکس کلیه شهدای بیست و پنج ساله گذشته اش را با ذکر نام گروه سیاسی آنها بر سر در تالار سخنرانی دانشکده نصب نموده. نمونه دیگر مربوط به دفتر تحقیقات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش است که از طریق مطبوعات از کلیه افراد و گروهها و سازمانهای سیاسی دعوت کرده بمنظور حذف مطالب انحرافی کتب درسی و ارائه پیشنهادات سازنده در جهت جایگزینی مطالب فوق با وزارت آموزش و پرورش همکاری نمایند. این اقدام دفتر تحقیقات و برنامه ریزی از هر جهت قابل تحسین است و باید بعنوان نمونه مثبتی در جهت حفظ همبستگی سه جریان اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی و مبارزه با گرایشهای مهلک انحصار طلبانه از طرف سایر موسسات دولتی سرمشق قرار گیرد.

برای انجام توطئه های خود و از جمله کودتاها از پوشش موسسات علمی و یا تجارتي و غیره استفاده کرده است. آیا دولت موقت از این حقایق بی خبر است؟

باید هر چه زودتر ماروین زونیس و افرادی چون او از ایران اخراج گردند و رفت و آمد و اقامت افراد با پوشش های مختلف (به ویژه اتباع آمریکا و شوروی) بیشتر مورد دقت دولت قرار گیرد. موسسات فرهنگی و مطالعاتی نیز هر وقت برای میهن ما ضروری و مفید تشخیص داده شد باید زیر نظر مراکز علمی ایرانی و با کنترل و نظارت دقیق دولت اجازه فعالیت داشته باشد. در غیر این صورت اینها به لانه های جاسوسی امپریالیستی تبدیل شده و بر علیه منافع میهن ما توطئه خواهند چید.





## در سمینار کشاورزی چه گذشت؟

وسیله اولیه تولید یعنی زمین هم در بیشتر نقاط روستا در دست آنها نیست و در اکثر روستاهای کشور ما مسئله ارضی و مناسبات آن

بعنوان مسئله‌ای اساسی باقی مانده است. در نتیجه حل مسئله زمین در مرکز رشد تولید کشاورزی میهن ما قرار دارد. از بین بردن روابط فئودالی از یکسو، و محدود نمودن حاکمیت بی‌بند و بار سرمایه بر اقتصاد روستایی ضروری است، زیرا حاکمیت نامحدود سرمایه‌داری اقتصاد کشور را به امپریالیسم وابسته نگه میدارد و از شکوفائی اقتصاد دهقانی جلوگیری میکند.

پس انجام اصلاحات ارضی ضد فئودالی و ضد سرمایه داری وابسته چه در بخش خصوصی و چه بخش دولتی به نفع دهقانان، در مناطقی که هنوز این روابط وجود دارد و اکثر دهقانان هم خواستار آن بین بردن آن میباشند، امری است حیاتی و در جهت استقلال اقتصادی کشور. توزیع متناسب زمین و حمایت از سرمایه ملی روستایی، همگی سیاست‌های است در قطع وابستگی‌های اقتصادی. بنا بر این:

۱- برای رسیدن به خود کفائی در زمینه کشاورزی به دو عامل ( ذکر شده ) باید توجه کافی داشت، عامل عمده دهقانان میباشند که تکیه‌گاه اصلی و قشر عظیم تولید کننده میباشند. عامل دیگر سرمایه‌های ملی که باید در خدمت رشد تولید ملی در کشاورزی بکار گرفته شود. حمایت از این نوع سرمایه در بخش کشاورزی اقتصاد ما را در جهت عدم وابستگی سوق میدهد.

۲- مسئله تمایز گذاشتن میان مالکیت‌های مختلف، یکی دیگر از مسائلی است که باید بدان توجه داشت.

ما باید میان مالکیت فئودالی و سرمایه داری و در طیف مالکیت سرمایه‌داری، میان مالکیت سرمایه‌داری ملی و وابسته تمایز قائل شویم.

۳- برای پیشبرد هدفها و سیاستهای درست و ملی یک تغییر بنیادی در وزارت کشاورزی لازم است، زیرا وجود عوامل رژیم گذشته، سرمایه دارهای بوروکرات و مقررات دست و پا گیر و ... سدی است در مقابل

## دهقانان بر وجود

### شکایت‌شان بجائی نرسیده - خودشان تبعید شدند!

گزارش از بستگان یکی از دهقانان تبعید شده است و او این نامه را به دفتر امام هم فرستاده است.

#### بنام خدا

این جانب یکی از نزدیکان عبدالعلی یار احمدی از ده قرق ۲۶ کیلومتری بروجرود این عرضحال را می‌نویسم و می‌فرستم. امیدوارم که در این راه خیر توانسته باشم ادای دین کنم و تمام حقایقی که به این خانواده وارد شده و در پائین شرح می‌دهم با کمال صداقت بنویسم.

عبدالعلی یار احمدی زمینی داشته حدود ۱۰ هکتار با یک حیاط که ۱۰ خانه داشته، به مالک می‌فروشد به مبلغ / ۱۰۰۰ تومان حدوداً ۱۵ سال پیش ( در زمان تقسیم اراضی )

عبدالعلی بعد از این فروش پشیمان شده و می‌خواهد معامله را فسخ کند. غیر از عبدالعلی ۴ نفر دیگر نیز همین کار را کرده و آنها هم پشیمان می‌شوند. اسامی این افراد عبارتند از: محمد رحیم، علی‌رحم،

حسن مریم، محمد کریم. مالک در حقیقت کلاه سر آنها گذاشته تا اینها را از زمین ساقط کند. آنها درست بعد از یک هفته پشیمان می‌شوند.

مالک قول داده که آنها را کارگر همین زمینها بکند ولی چون اعتراض کرده‌اند غیر از یکی از آنها سایرین را جواب رد داده و آنها را طرد می‌کند. عبدالعلی و دو نفر دیگر شکایت می‌کنند زیرا که در زمان تقسیم اراضی اطلاع می‌یابند که دهقان نباید زمین را به مالک بفروشد. در هر حال به علت نفوذ این مالک در اداره و ژاندارمری دست زارعین به جائی نمی‌رسد.

مالک بلا فاصله هر خانه را به مبلغ ۵ هزار تومان می‌فروشد.

دو سال پیش عبدالعلی و دوتای دیگر زمینها را می‌کارند ولی مالک با زور تمام محصول را ضبط می‌کند تا انقلاب پیش می‌آید و به همت تمام مردم و رهبری عالی قدر امام خمینی دست عمال جیره خوار از ایران کوتاه می‌شود.

عبدالعلی و دو تایی دیگر با رهنمود امام دست به گرفتن زمین می‌زنند و اعتراض می‌کنند که این مال ماست و امام فرموده که زمین از آن کسی است که رویش کار می‌کند و ما عا. حسب آن. به دست آمده‌است.

که شورائی مرکب از ۵ نفر در ده تشکیل شود البته با ابتکار کمیته و پاسدار و به کار رسیدگی نمایند.

تا کنون از شورا در ده خبری نشده و خبر رسیده که شورا در دادگستری و بانظارت یک مامور از کمیته برگزار شده و رسیدگی به پرونده کرده‌اند و حکم جلب سه نفر را صادر نموده و آنها را به زندان می‌افکنند. برای هر کدام ۴۰ هزار تومان قرار صادر کردند. مردم ده با سپردن ودیعه بعد از ۳ روز آنها را آزاد می‌کنند. مالک با خیرشدن از این ماجرا به دادستان شکایت کرده که چرا آنها را آزاد کرده‌اند.

خلاصه بعد از آزادی این سه نفر را به مدت ۳ ماه به گلپایگان تبعید می‌نمایند و الان از آن تاریخ ۱۰ روز می‌گذرد. چندروز پیش خدا رحم یا جولوونه از کارش پشیمان شده و تسلیم شده و به ده برگشته است دو تایی دیگر فعلاً در تبعید به سر می‌برند. زن و بچه‌های این دو مرد آواره در ده بدون سرپرست و خرجی می‌گذرانند.

واما در مورد مالک چند سطر نیز بگویم:

از قدیم ۴ شعیر ( سهم حدود ۲۰ هکتار ) صاحب بوده و در حال حاضر ۱۵۰ هکتار تا / ۲۰۰ هکتار صاحب است. غیر از این ۵ سهی که از ۵ نفر خریده بقیه را به زور صاحب شد. در تقسیم اراضی ۳ به یک تقسیم شد ولی عملاً همه را تقریباً به عنوان مکانیزه پس گرفته و ۴۰ هکتار نیز تصرف عدوانی نمود.

همین چند روز پیش ۱۰ نفر قرار گذاشتند بروند و زمین عدوانی را بگیرند که با ژاندارم آنها را عقب زده و دوباره به زیر گشت برده است.

از خاک تپه‌ای که در مالکیت اهالی است حدود / ۶۰ هزار تومان فروخته و این مقداری است که ما می‌دانیم. ولی مدتی است جرئت نمی‌کند دیگر خاک را بفروشد. نزدیک ۸ آبادی دیگر که عبارتند از جعفر-آباد، علی آباد، اصغرآباد، گلستان، جهان آباد ( ونستان ) نیز مالک است.

از ۵ نفری که زمینها را فروخته‌اند یکی کارگری برایش می‌کند و ساکت بوده، این مرد که علی محمد نام دارد صاحب‌زنی است با اسم

قمر. این زن در حقیقت همه‌کاره مالک است. او در خانه مالک بسر میبرد و شوهرش روی چاه عمیق کار میکند. ارباب در شهر عده‌ای او باش اجیر کرده

خورده که شاهد عینی‌اش الان حاضر است که همراهش بوده و می‌خواستند او را نیز بسزنند.

ارباب درگذشته هم دهقانان را آزار و اذیت می‌کرده مثلاً آنها را در طویله حبس می‌کرده شاهد نمونه‌اش علی مردان یار احمدی است که در طویله زندانی کرده و دودگاه به خوردش داده این مرد که ۶۰ سال دارد حاضر است شهادت بدهد.

در زمان طاغوت مالک، مامور کردهای عراقی رانده شده بوده و در حال حاضر مدیر عامل شیر و خورشید بروجرود می‌باشد.

او در زمانی که انقلاب به ثمر می‌رسید دستور داده بود که هر کس برای امام صلوات می‌فرستد دستگیر نمایند. در همان اوایل انقلاب اعلامیه‌ای به دست حسن که از ۵ نفر مذکور بود می‌رسد و او بر طبق نوشته، زمین را می‌گیرد. ژاندارم او را میگیرد و می‌گوید چرا زمین را غصب کرده‌ای او استناد می‌کند به اعلامیه که می‌گوید کسانی که از ده به شهر رانده شده‌اند به سرزمین و محصول خود برگردند. ژاندارم او را تهدید کرده که اعلامیه را از کجا آورده‌ای تو بایستی این گروه را زود به ما اطلاع دهی والا آقای سلطانی حسابتان را کف دستتان می‌گذارد. خلاصه من که الان از نزدیک خانواده

این چند خانوار را می‌بینم نمی‌توانم این مطالب را به دفتر امام و روزنامه‌های رسمی اطلاع ندهم. می‌دانم که طبق گفته مولای علی که می‌فرماید:

بر افراد آگاه و روشن مستدل شده‌است که در مقابل سیری ظالم و گرسنگی مظلوم از پاننشینند"، واجب دانستم که واقعیت را بگویم شاید برایشان فرجی شود.

من حاضرم در راه حق و حقیقت جان فشانی کنم. از انقلاب اسلامی به این خاطر پشتیبانی می‌کنم، رهبریت را ارج می‌نهم. استقلال ایران را عزیز می‌دارم و پاسداری می‌کنم.

خلاصه نیازمندی این اهالی اینست که:

۱- هر چه زودتر به حساب این مالک رسیدگی شود.

۲- زمینهای غصب شده را به اهالی برگردانند.

۳- مالک حشق زور گوئی نداشته باشد.

۴- ما اهالی خواستار تشکیل یک شورا برای رسیدگی به این موارد هستیم.

کشاورزی پایه اقتصاد کشور ما را تشکیل میدهد و حلقه مرکزی در شکوفایی اقتصاد مستقل و کلید رهایی از وابستگی اقتصادی به امپریالیسم است. بار سنگین تولید کشاورزی بدوش زحمتکشان روستائی است که بیش از نیمی از جمعیت این کشور را تشکیل میدهند. آنها در حالی که عاملین اصلی تولیداند، خود از حداقل امکانات رفاهی محرومند و

سرووری مردم است، ریزش و سقوط سوسیالیسم گذشته، سرمایه دارهای بوروکرات و مقررات دست و پا گیر و . . . . . سدی است در مقابل پیاده کردن برنامههای وزارت کشاورزی برای خدمت به دهقانان و سرمایههای ملی در روستا باید بطور بنیادی مورد پاکسازی و نو سازی قرار گیرد.

## \*\*\* نامه يك دهقان تر كمن

آیا آزمایش نکرده بودی؟ چطور این خرابیها در سالهای قبل اگر پیش میآمد بلافاصله تعمیر میشد؟ اینها همه بهانه است که باید فهمید هدف اینها چیست؟ آنها میخواهند از این اوضاع سوء استفاده کنند. آنها می خواهند محصول را از دست کشاورزان در بیاورند و بعد کارخانه را بکار اندازند. آیامسئولین امر میدانند ما پولی در صندوق نداریم و برای بدست آوردن محصول باید سلف خری کنیم. آیا مسئولین نمیخواهند در مقابل تعطیل شدن کارخانه ها هوشیاری بخرج دهند؟ چرا باین چیزها توجه ندارند. ما از آنها میخواهیم کمی هم بفکر ما باشند. در مورد دادن وام به کشاورزان و قیمت گذاری روی محصولات کشاورزی بکار خودشان مشغول گردند باعلاقه بیشتری بکار خودشان مشغول گردند دولت میگوید باید کشاورزی را نجات داد مگر میشود بدون کشاورزان کشاورزی را نجات داد؟

حاج محمد میرابن - قره تپه  
( بندر ترکمن )  
۵۸/۷/۲۶

همانطوری که می دانید دهقانان و کشاورزان امسال به امید اینکه قیمت پنبه نسبت به سالهای گذشته بالاتر خواهد رفت زمینهای خود را پنبه کاشتند ولی متاسفانه، با اینکه ما با گرانی روبرو بودیم چه از نظر کارگر چه از نظر سم، قیمت پنبه کاهش یافت که این ضرر بزرگی است برای کشاورزان. ما میدانیم مسئولین امر توجه ندارند و حتما درد دهقانان را نمیدانند. آنها میدانند ما با چه مشکلاتی ۵ ماه تمام عرق ریختیم و زحمت کشیدیم و این قیمت برای پنبه حق زحمات ما نیست این قیمتی را که برای پنبه گذاشته اند حتی مخارجش هم در نمی آید و تعطیل شدن کارخانهها هم بیشتر به ما فشار آمده است. چرا مسئولین امر به تعطیل شدن کارخانهها رسیدگی نمیکنند این ضرر بزرگی است هم به ما و هم به اقتصاد مملکت. وقتی ما به کارخانه دار مراجعه میکنیم و میگوئیم چرا کارخانهات را بسته ای؟، خراب شدن دستگاههای کارخانه را بهانه می آورد، ما میگوئیم مگر خرابی کارخانه را دو ماه قبل از محصول پنبه ندیده بودی

## ● پاسخ يك نامه

در پاسخ به این دوستان و دوستان دیگری که ممکن است چنین سئوالی برایشان مطرح شده باشد، مختصراً "میگوئیم":  
۱- این نشریه هیچ ارتباطی با "سازمان انقلابی" نداشته و از کم و کیف انتشار دهندگان آن کاملاً بی اطلاع هستیم.  
۲- لذا نمیتوانیم قضاوتی درباره ی گروه انتشار دهنده این نشریه داشته باشیم و صرفاً "نظر خود را در مورد خط مشی تبلیغاتی این نشریه بطور خلاصه بیان می کنیم".  
در این نشریه از میان دو ابرقدرت آمریکا و روسیه بعنوان دشمنان عمده

## ● مردم حق تظاهرات

مبارزات سیاسی از جمله تظاهرات و راه پیمائی دست بزنند و از این طریق ضد انقلاب را افشاء و منفرد سازند و از دستاوردهای انقلاب پاسداری کنند و آن را گسترش دهند. ممنوع کردن تظاهرات یعنی محدود کردن مردم در امر انقلاب یعنی به بند کشیدن نیروی عظیم مبارزه با توطئه های ضد انقلاب. اشتباه است که اگر تصور کنیم که با محدود کردن آزادی های مردم، ضد انقلابیون و اخلالگران را تحت فشار قرار می دهیم. بر عکس اتفاقاً با این کار زمینه مساعدتری را برای بهره برداری آنها مهیا ساختیم. به همین خوزستان نگاه کنید. کردستان را ببینید. کجا سراغ دارید که با این روش پیروزی بدست آمده است؟ از مردم نترسیم، به آنها اعتماد کنیم و آنها را خانه نشین نکنیم. از امام خمینی بیاموزیم که هرگاه قصد نبرد میکرد مردم را فرا می خواند. هر کس بدون توده ها به جنگ ضد انقلاب رفت یا شکست خورد یا باضدانقلاب کنار آمد.

## ● به خواست روزنامه...

بدست ما میرسد کفاف زندگی نمیکند. وی در ضمن توضیح فشار زندگی و عدم رسیدگی مسئولین روزنامه های کیهان و اطلاعات به خواسته های خود و اینکه تاکنون مشکلات خود را به مسئولین این موسسات اعلام کرده اند افزود: "آنها در این مدت هیچ کمکی به ما نکرده اند و اخیراً سرپرست کیهان بنما یندگی ز طرف کیهان و اطلاعات به شهر ما آمده و بتعوض رسیدگی به مشکلات ما یکی از افراد هیئت مدیره اتحادیه را تهدید کرده است که اگر از گرفتن روزنامه خودداری کنید بوسیله چماق بدستان بزور روی میزهای شما میگذاریم و ما را تهدید به کتک کاری و مرگ کرده است. در مقابل ما روزنامه فروشان هم گفته ایم

او در خانه مالک بسر میبرد و شوهرش روی چاه عمیق کار میکند. ارباب در شهر عدهای اوپاش اجیر کرده تا اهالی را کتک بزنند. حتی یکی از این ۵ نفر که اسمش حسن است از اوپاشان کتک

## کارخانه قند مرودشت به چندین کاران اجحاف میکند

در ناسی که بعضی از چندین کاران مرودشت و دشت مرغاب با خبر نگار رنجبر داشتند، این دهقانان مشکلات خود را با او در میان گذاشتند. چندین کاران می گویند کامیون های چندین کاران که به کارخانه قند مرودشت می آورند، اولاً با سگول کارخانه معمولاً در حدود یک تن کمتر از وزن حقیقی نشان می دهد، ثانیاً ارزیابها مرغوبیت چندین را اقلای یک یا دو درجه پائین تر از کیفیت چندین به حساب می آورند و از این طریق ضررهای هنگفتی به چندین کاران وارد می شود. دهقانان معتقدند که مسئولین کارخانه در این کار دست دارند و آگاهانند عمل می کنند. از طرف دیگر کارخانه قند اقلید، هم وزن را دقیق نشان می دهد و هم در ارزیابی از مرغوبیت دقیق است. علاوه بر آن بابت هر تن، ۴۰ تومان به صاحب چندین بابت کرایه کمک می کند. کارخانه قند مرودشت با کمک

شورا برای رسیدگی به این موارد هستیم. با احترامات یکی از بستگان عبدالعلی

ژاندارمری با زور از حمل چندین به وسیله دهقانان به اقلید جلوگیری می کند. پاسگاه ژاندارمری ده بید این وظیفه را به عهده دارد. چندین کاران از مسئولین امور می خواهند که بازرسانی به کارخانه قند مرودشت بفرستند تا اولاً با سگول را کنترل کنند و ثانیاً در تعیین مرغوبیت چندین به وسیله ارزیابها نظارت نمایند، تا از این طریق به چندین کاران کمکی بشود و آنها در توسعه و افزایش محصول تشویق و ترغیب شوند. به علاوه چندین کاران باید آزاد باشند تا به هر کجا که سود بیشتر برای آنها دارد چندین خود را عرضه کنند. \* رنجبر - ما از خواست عادلانه چندین کاران این مناطق پشتیبانی می کنیم و از مسئولین می خواهیم هر چه زودتر به مشکلات آنها رسیدگی کنند.

و همان موقع با مسئولین کیهان و اطلاعات در مورد خواسته هایمان صحبت کرده ایم و آنها از ما ۳ ماه فرصت خواسته اند و حالا ما از این تاریخ گذشته ولی هنوز به حقوق ما رسیدگی نشده است. این روزنامه فروشان در این مورد تهدید قرار گرفتند از وضع امنیت خود بسیار نگران بوده و اعلام نمودند که یکی از روزنامه فروشان هم در سرخیا بان ۳۰ متری مورد ضرب و شتم بعضی از افراد قرار گرفته است و در این مورد از مقامات مسئول طلب استرداد کرده اند. ما مطمئنیم این زحمتکشان با پاسکاری بروی همبستگی، وحدت و خواسته های بحقشان در این مورد نیز موفقیت بدست خواهند آورد.

## ● نه انحصار طلبی ...

نقش مردم را در امور سیاسی به سیاهی لشکر بودن ( لشگری که ضعیف شده) تنزل داده است. در مقابل قدرت طلبان، این دمکراتهای دروغین و چپ نماها در تلاش اند از موج ناراضی مخالفت مردم با انحصار طلبی بسود منافع تنگ نظرانهی خود سوء استفاده نمایند.

از سوی دیگر چند مرکزیتی سیاسی و تصمیم گیری، عدم قاطعیت در اتخاذ تصمیم های انقلابی به نفع مردم و تدوین برنامه های فوری از جانب مسئولین مملکتی باعث آن گردیده که بیکاری و گرانی، و عدم تضمین آینده برای نیروی کار مملکت به یک مرض بظاهرا علاج و ناراضی آفرین بدل گردد. و بالاخره توده های مردم و بویژه کارگران و دهقانان برای خواسته های رفاهی خود عمدتا از دستگاه دست نخورده دولتی جویهای سر بالا و سرخرمن دریافت میکنند.

بوجود آمدن و رشدی متفاوتی توده های مردم نتیجه ناگزیر و منطقی وضعیت است. و فروکش کردن شور و شوق انقلابی بزرگی که میلیونها توده بجان آمده را دست خالی به مقابله تانک و مسلسل کشانده بود برای ادامه انقلاب هلاکت آور است. زیرا انقلاب قدم به قدم از نیروی تعیین کننده خود محروم شده و سنگرش ضعیف میشود.

ما از همان آغاز پیروزی قیام بهمن ماه سال قبل، هنگامیکه مبارزه برای سواصل خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را مطرح نمودیم، مکرر در مکرر گفته ایم که این سه اصل از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. بارها گفته ایم که بدون تامین آزادی و عدالت اجتماعی واقعی، استقلال واقعی بعنوان مسئله مرکزی ادامه انقلاب دست نیافتنی است. زیرا بدون تقویت مادی لشکر خلق و تامین وحدت آن بر اساس تساوی حقوق نمیتوان با دو ابر قدرت و عمالشان، صهیونیسم و بقایای رژیم سرنگون شده مقابل کرد، اخلاص آنها را درهم کوبید و از میان برداشت. این حقیقت را بیش از هر چیز حیات ۸ ماهه ادامه ای انقلاب ما ثابت کرده است.

بدون تامین خواسته های واقعی و بحق خلق کرد چه در زمینه حل مسئله ارضی، چه تامین امنیت، و چه خود مختاری مردمی ( و نه وابسته) نمی توان توطئه ابر قدرتها و عمالشان بویژه سویال امپریالیسم شوروی و نوکران و رهروان آنها را از پایگاه اجتماعی محروم کرد و درهم کوبید. بدون تامین واقعی آزادیهای سیاسی و اجتماعی نمیتوان روشنفکران کشور را از تاثیرات به اصطلاح دمکراتها و چپ نماها رها نمود و نیروهای سیاسی کشور را متحد کرد و همه را در خدمت ادامه انقلاب قرار داد. بدون تامین واقع

خواسته های زحمتکشان چه از میان برداشتن بیکاری، چه گرانی باشد و چه بدست آوردن زمین، شغل، مسکن و ... تامین آینده نمیتوان شور و شوق آنها را برانگیخت. و بالاخره بدون اینها نمی توان وحدتی رزمنده میان اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی ایجاد کرد و انقلاب بزرگی را که آغاز گردیده، تا به آخر به پیش برد.

دقیقا " بدین خاطر است که توده های خلق و نیروهای سیاسی آن باید برانگیخته شوند و حرکت آیند تا خود بعنوان عامل اساسی تغییر اوضاع نقش تعیین کننده خویش را ایفاء نمایند. حرکتی که هم دست رد به سینه انحصار طلبی میزنند و هم قدرت طلبی با اصطلاح دمکراتها و چپ نماها را رد میکند و راه راستین انقلاب، رهایی و استقلال را می پیماید.

توده های کرد باید با حرکت درآیند و عمل ابر قدرتها و انقلابی نماها را از میان خود برانند و فریب تحریکاتی که راه کسب خواسته های بحقشان را در خصوصت با رهبری انقلاب و دولت ملی و برداشتن اسلحه میگمارد نخورند، بلکه در عوض متشکل شوند و در وحدت با مردم سراسر کشور خواسته های خود را در مبارزه های اصولی بدست آورند. کارگران باید با حرکت درآیند، استوارانه کارفرمایان و مسئولین فاسد را برانند، حقوق خود را بگف آورند و نقش واقعی خویش را در سازندگی کشور در همه زمینه ها ایفاء نمایند.

روشن فکر و دانشجو باید بپا خیزند، پرچم مقدس اتحاد بزرگ ملی را برافرازند، با زحمتکشان درآمیزند و برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه نمایند و ...

مردمی که نظام وابسته سلطنتی را سرنگون نمودند یقینا " قادرند اوضاع را بسود ادامه انقلاب بزرگ اسلامی ایران تغییر دهند. باین خاطر باید دلزدگی که ضد انقلاب و سرخستان، انحصار طلبان، دمکرات نماها، چپ نماها و ندانم کارها بوجود آورده اند به مقابله برخاست و به متشکل شدن پرداخت.

هر کس باید در سازمان و تشکل صنفی، اجتماعی و سیاسی خود متشکل شود، پرچم اتحاد بزرگ ملی را برافرازد و برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی واقعی مبارزه کند. هنگامی که توده های خلق متشکل باشند و برای سیاست صحیح مبارزه کنند، قادرند تغییراتی بس عظیم بوجود آورند، قادرند آزادی واقعی بدست آورند با بیکاری و گرانی بطور موثر مبارزه کنند، متحد شوند و در جبهه اصلی و تعیین کننده ادامه انقلاب یعنی مبارزه برای استقلال ایران در برابر دو ابر قدرت و عمالشان

## ● جوانان آق قلا مینویسند

جوانان میهن ما همانطور که در انقلاب پیشناز بودند، پس از انقلاب نیز در انعکاس مسائل و مشکلات مردمان و خواست تغییرات انقلابی و سازندگی بنفع توده های ستمکش، پیشقراول و فعال اند. آنچه در زیر میخوانید نامهای است از جوانان " آق قلا" که بیانگر این امر است:

این نامه را عده ای از جوانان محصل " آق قلا" ( پهلوی دژ سابق گرگان)، بخاطر آشنائی با محیطی که در آن زندگی می کنند محرومیتها تیکه در محیط تحصیلی شان دارند و اینکه از هیچگونه امکاناتی تا بحال برخوردار نبوده اند به "رنجبر" نوشته اند تا شاید این همداری باشد برای دولت و مسئولین شهر. ما سؤال میکنیم آیا " آق قلا" جزو خاک ایران هست یا نه آیا مردم آق قلا از امکانات عمرانی و رفاهی برخوردار باشیم یا نه. چرا ما باید برای داشتن یک کتابخانه، پارک، بهداشت، بیمارستان، آب، فضای سبز و ... در حسرت باشیم چرا نباید آنچنان امکاناتی وجود داشته باشد که مسافری به شهر ما هم بیآیند و اینکه اگر هم بیآیند ما را بدیده تحقیر نگاه نکنند چرا ما باید از داشتن چنین شهری شرم داشته باشیم. چرا کسی رغبت نمیکند به شهر ما بیآید چرا ما از شهر نشینان نزدیک منفرد و جدا شده ایم. از آنجائی که مردم زندگی خوب را به چشم خود ندیده اند به حداقل امکانات رفاهی هم خود را دلخوش کرده اند که این هم جواب

## ● امام خمینی

توطئه گران با مردم کرد مختلط شده اند و دوست و دشمن مخلوط شده است. امام در مورد تصفیه و پاکسازی ضد انقلابیون گفتند: " خود کردستان باید اینها را تصفیه کند ... خودشان جلوگیری کنند. خودشان این اشخاص را معرفی کنند. ما گفتیم که غیر از یک چند نفر از سران که خیانتکار و آدنکش هستند، تمامشان مورد عفو هستند. تمامشان برادرهای ما هستند. آنها هم که در حزب دمکرات هستند برادرهای ما هستند، بیایند به آغوش ملت برگردند. بیایند با خود ملت شوند."

تمایز گذاری در سرکوب ضد انقلاب مسئله مهمی بود که بسیاری از مسئولین امور در حوادث کردستان به آن توجه نکردند و باعث شدند که خلق کرد نسبت به انقلاب بدبین شود و ضد انقلاب از این امر سوء استفاده کند. امروز نیز که مسئله مذاکره و

جانب دیگر پیش بیآید. یعنی مذاکره با همان سران وابسته و توطئه گری انجام شود که جوانان کرد را به کشتن دادند، در این صورت هم باز حق و باطل مخلوط میشوند و رهبران خائن بخاطر قیام علیه انقلاب اجرت خواهند گرفت. امام با اشاره به حل مسأله آمیز مجددا " حساب ضد انقلاب و لزوم تصفیه آنرا از مذاکره و مسالمت با خلق کرد جدا میکنند. امام در سخنانشان خطاب به خلق کرد گفتند:

" ما نمیخواهیم برادر کشی بشود. ما میخواهیم با مسالمت، با ملایمت، با برادری کارها درست بشود. شما این عده فاسدی را که نمیگذارند زندگیتان زندگی صحیح باشد و میخواهند کردستان را بخون بکشند و بعد هم بلوچستان را بخون بکشند و بعد هم جا توانستند. شما خودتان آنها را تصفیه کنید. نگذارید که کس دیگر تصفیه بکند. خودتان همانا. محترم. خدمتتان. تحفه.

باقی میماند و عبور را مختل میکند. در مورد بهداشت - وسائل تفریحی - پارک - بیمارستان صحبت نمیکنیم چون اصلا وجود ندارد که بگوئیم چگونه است. شهردار سابق بخاطر خوش خدمتی به اربابانش و عوامفریبی مردم برجی بصورت فلکه در وسط شهر بحالت نیمه کاره درست کرد که خود اینهم باعث مختل شدن عبور و مرور شده است. مدارس اینجا هم دست کمی از دیگر قسمتهای شهر ندارد. اغلب دانش آموزان این مدارس از اطراف " آق قلا" میآیند در اینصورت چون مدرسه دو هفته میباید آنها مجبورند در کنار خیابانها نشسته و غذای خود را که معلوم است چه هست همانجا صرف کنند. این مسئله آنچنان وضع اسفناکی بوجود آورده بود که بالاخره دانش آموزان مجبور شدند اعتصاب کنند و مدرسه را بحالت یکسره درآوردند. قبل از اینکه شهردار انتخاب شود دانش آموزان فتوادلها به تگاپو افتادند و از جانب خودشان شهرداری را به شهر " آق قلا" منصوب کردند. نامبرده در مورد جهاد سازندگی هیچ اقدامی نکرده و مردم را به جهاد سازندگی تشویق نمیکند. مردم ترکمن محرومیت زیاد کشیده است.

اینها فقط قسمتهائی از مسائل رفاهی بودند که ما بازگو کردیم. حالا اگر میخواهید منکی به مردم باشید اگر میخواهید به مردم خدمت کنید اگر بیماران گوشه خیابان افتاده و صحنه های دلخراش دیگر شهر ناراحتان میکنند به آنها جواب دهید.

گروهی از دانش آموزان " آق قلا" ۵۸/۷/۲۷

## ● مجاهدین خلق

بزنیم و فراموش کنیم که در هر مرحله و زمان و مکان چگونه و با چه توجهات مردمی، باید با مسائل و قضایای موجود برخورد نمود. مرز بندی " مجاهدین خلق" با چپ روها در این زمینه امر مثبتی است که میتواند در خدمت طرد انحرافات بخاطر وحدت ننگ خلق علیه ضد انقلاب وابسته

دمدرا آنها و چپ‌نماها رها نمود و نیروهای سیاسی کشور را متحد کرد و همه را در خدمت ادامه انقلاب قرار داد. بدون تامین واقعی

تعیین کننده ادامه انقلاب یعنی مبارزه برای استقلال ایران در برابر دو ابر قدرت و عملشان پیروزمندان به پیش روند.

بدبین شود و ضدانقلاب از این امر سوء استفاده کند. امروز نیز که مسئله مذاکره و مسالمت مطرح شده، ممکن است اشتباه از

کنید اینها را".  
خودتان جوانهای محترم، خودتان تصفیه کنید اینها را".

میتواند در خدمت طرد انحرافات بخاطر وحدت بزرگ خلق علیه ضدانقلاب وابسته به دو ابر قدرت قرار گیرد.

### مصاحبه با آقای بنی صدر

س- با توجه بر اینکه مذهب شیعه جعفری بعنوان دین رسمی اعلام شده و با توجه به بیانات آقای ابو شریف رئیس سپاه پاسداران مبنی بر اینکه مردم کردستان انتظار این را داشتند که در مجلس خبرگان به اصل دو از دهم بیشتر توجه بشود و به جای آن بهتر بود بگوید دین رسمی کشور اسلام است. آیا تصویب این ماده زمینه مسامدی برای دامن زدن به دعوی شیعه و سنی ایجاد کرده است؟

ج- ما عمدتاً یک دستگاه تبلیغاتی قوی نداریم که بتواند واقعیات را در معرض اطلاع عمومی قرار بدهد. مثلاً ما در همان قانون شوراها هم وقتی که در کردستان بودیم، کردها ۳ خواست برای خودمختاری ارائه می دادند ولی ما به جای این ۳ خواست با ۶ خواسته آنها موافقت کردیم ولی کسی نبود که تبلیغ بکند و این را برای مردم توضیح بدهد. نتیجه این شد که ضدانقلاب توانست تبلیغ بکند که حتی اسم خودمختاری را هم در قانونشان نیاروندند.

من در اینجا که با آقای مفتی زاده صحبت کردم به ایشان گفتم که شما ۳ خواست داشتید و ما با ۶ خواست موافقت کردیم. گفت که بله شما استقلال داده بودید و نه خودمختاری برای اینکه همین نکرده بودید که اگر شوراها منحرف شوند چه باید کرد. گفتم خوب حالا شما هم به اندازه همان خودمختاری قبول می کردید و افلا می گفتید که این خواست ما تامین شده است.

در مورد مذهب هم در قانون اساسی سابق اصلاً هیچ حرفی از آنها نبود. آنها کلاً در حکم اقلیتها تلقی می شدند در حالی که در قانون اساسی فعلی در حکم بقیه مثل بقیه هستید. ولی خوب حالا آنها می گویند که بنویسید مذهب ما هم در منطقه خودمان رسمی است. من با این مخالفتی ندارم و در نظر است آن ۳ روز آخری که به این قانون رسیدگی می شود این نکته را بیاوریم. اما چه چیزی را عوض می کند. ( و دلیل عدم صداقتشان همین جا است ) زیرا اصلاً ضد انقلابیون به هیچ اصلش معتقد نیستند ولی می آیند می نشینند و این جور چیزها را عوضی به مردم نمایش می دهند و سوء استفاده

می کنند. در واقع رهبران حزب دمکرات از حول حلیم افتادند تو دیگ و فکرمی کردند که بله تا براه افتادند کردستان مثل یک لقمه چرب و نرمی است و از گلویشان پائین می رود. البته دستگاههای اداری دولت هم اشتباهاتی در این زمینه انجام داده است و اینها را رها کرد که هر چه دلشان بخواهند بکنند. دیگر اینکه به مسائل اساسی در منطقه نپرداخت و تکیه به خود مردم کردستان نکرد و به طور مستقیم با خود مردم وارد مذاکره نشد بلکه خواست از طریق رهبران آنها مسائل را حل کند. خود این جریان به آنها در منطقه اعتبار داد. نتیجه ای بوجود آورد که ناچار می بایست از طریقی که خودشان به این انقلاب تحمیل کرده بودند به آنها پاسخ داد. در هر حال نظر من این است که اگر ما بخواهیم مسئله کردستان به طور قطع حل بشود باید اولاً به دولت عراق حالی کنیم که نباید نمی تواند این بازبها را در ایران انجام بدهد. یا اگر دولت های دیگری دست اندر کار هستند که از طریق عراق عمل می کنند. این را در درجه اول باید به زبانی گفت که این دولت حالی بشود. دوماً مسائل خود مردم را مستقیماً از خود مردم بپرسیم که خواسته هایشان چیست؟ و بلافاصله خواسته های آنها را شروع به اجرا کنیم.

اما حال وسیله های شده ایم و آقای عراق هم بیاید و در وطن ما این جور بازبها را در بیاورد. دیگر باید به عراق خوب حالی کنیم. اما تا وقتی که ما به خود مردم تکیه و اعتماد نکنیم و به حل مسئله آنها به طور مستقیم نپردازیم آنچه را که ما در سنج انجام دادیم و موفق هم شدیم عمل نکنیم مشکل آنجا حمل نخواهد شد.

س- با توجه به توضیحات شما چنانچه راه حل مسئله کردستان این قدر روشن است و به جز شرکت خود مردم هیچ مسئله ای قابل حل نیست. بنابراین مشکلات اساسی در این زمینه چیست؟

ج- مشکلات همان دید گاههای مختلفی است که گفتم. یک دید گمان میکنند که می تواند مسئله را از بالا و از طریق قوه اداری و اجرائیه حل کند و دید دیگر که می گوید از پائین و از طرف خود مردم قابل حل است. مشکل اساسی این است.

س- بر طبق خبر یک نشریه انگلیسی زبان به نام "گزارش خارجی" منتشر از روزنامه اکونومیست لندن - دولت عراق

اخیراً از ویتنام در از ۴۱ و ۷۰ میلیون دلاری حدود ۷۵ نفر خلبان جت های جنگنده خواهد گرفت. این مذاکره در یک جلسه ای بین هیئت عراقی به سرپرستی وزیر دفاع با کاسیگین در مسکو امضاء شده است چهارپایه ای با ایجاد پایگاههای جدید در عراق و تجدید سازماندهی آنها که در مطبوعات ایران نیز درج شده است موجود می باشد؟

ج- اینکه عراق از آنجا خلبان گرفته است هنوز اطلاعی ندارم ولی از اینکه آنها عراق را پایگاهی برای آمدن و ضربه زدن و در رفتن می سازند هیچ گونه محل تردیدی وجود ندارد. این دولتها فرض کنیم روسها و حتی امریکائیا هم زیرا در یک کمیسیون امنیت " که بین ایران و امریکا بوده عراق هم تشریف داشته حالا ممکن است که امریکا از طریق عراق این بازی را در می آورد و یا ممکن است روسها باشند. اما در مورد اینها هنوز ما سندی نداریم و نمی دانیم کدام یکی از اینها هستند. اما من فکر نمی کنم که عراق به تنهایی بتواند دست به این فضولی ها بزند.

س- در هفته های اخیر در مطبوعات ما مسائل مختلف و ضد نقیضی مبنی بر دخالت روسیه در کردستان ایران مطرح شده است. امام خمینی، آیت الله طالقانی و آقای طباطبائی گفتند که روسها هم دخالت داشتند. ولی عده دیگری آمدند و گفتند که دخالت نداشته است مثلاً آقای مکرری گفتند که روسها دوست ما هستند.

ج- گفتند که کی دوست ما است؟ روسها دولت ما هستند؟ اما من واقعا نمی دانم که اینها دست دارند و یا ندارند. این دلیل و مدرک می خواهد انسان باید مدرک داشته باشد تا حرف بزند. شاید یک مقام دولتی اگر دلیل در دستش باشد و بگوید او دیصلاح تراست. اما من دلیل در دست ندارم که بگویم روس است یا امریکائی. فقط یک مسئله است و من این را می دانم که عراق بخودی خود همچنین انگیزه های را ندارد.

توجه گردید.  
س- مطبوعات روسیه از همان اول اعتناشات در کردستان، بر علیه ایران و اقدامات نظامی آن چیزهای بسیاری نوشته اند مثل ایزوستیا، پراودا و رادیو مسکو از رهبری حزب دمکرات پشتیبانی کردند ولی بعد از اینکه ضد انقلاب با یک شکست نسبی روبرو شد حکومت روسیه نیز سیاست خود را عوض کرد و آقای برژنف جلد هفتم آثار خود را تقدیم به انقلاب اسلامی می کند به نظر شما این ناشی از چیست؟

ج- روسها از تجزیه خوششان می آید. برای اینکه یک قدرت جهانی هستند. به عنوان یک قدرت جهانی اگر شد که چه بهتر ولی اگر نشد خوب بالاخره که نمی توانند روابط خودشان را با کشور ما تیره بکنند. یعنی برای آنها این مسئله کاملاً یک مسئله تاکتیکی است. وگرنه تقدیم کردن جلد هفتم جنبه استراتژی ندارد که واقعا به همچنین انقلابی منتقد باشند.

س- با اینکه این انقلاب ضربه محکمی به امریکا وارد کرده ولی هیچ وقت حاضر نیست که منافع خود را از دست بدهد. روسها هم همچنین در صدد هستند و هیچ وقت بدشان نمی آید که ایران را در دست داشته باشند. به نظر شما سیاستهای اساسی این دو ابر قدرت بر علیه انقلاب ایران چیست؟ و چه عوامل اجتماعی در داخل موجودند که زمینه مساعدی برای توطئه آنها ایجاد می کند؟

ج- بزرگترین عامل منفی همان دستگاهی است که از رژیم سابق به جامانده است تمام آن بنای رژیم سابق در رابطه با سلطه امریکا شکل گرفته و محتوا پیدا کرده و سر جایش هست. توطئه ها برای این انجام

می گیرند که او تثبیت بشود، وقتی که او تثبیت شد آن وقت این حرفهایی که ما میزنیم بیشتر به شعر و غزل می ماند. برای اینکه قوه در آنجاست و در دیوان سالاری و ارتش و بنیادهای اقتصادی که همه در رابطه با سلطه امریکا موجودند و وقتی که اینها تثبیت شد در آینده هم پولهای نفت را اینها جذب خواهند کرد و قوه مالی را خواهند داشت و قوه ارتباط با خارج به عنوان پشتیبان را خواهند داشت. در برابرش هم نیروی مردم است که پراکنده می باشد که از طریق این توطئه ها نتوانسته شکل بگیرد و حالا چه رسد به یک نیروی سازمان یافته که بتواند آن بنیادها را تغییر بدهد در واقع ضعف بزرگ انقلاب ما در این است. بنابراین روشنفکر واقعی باید این واقعیت را بفهمد و ببیند که در کجاست و چطور عمل بکند که اصل انقلاب قربانی نشود.

در حال حاضر ما مواجه با این خطر بزرگ هستیم. هر چه توطئه در کردستان و جاهای دیگر بهر اسم و رسمی انجام میگیرد به تثبیت نیروی انقلابی نمی انجامد، بود آن ساختمان اقتصادی می انجامد که رژیم سابق به یادگار گذاشته بود.

س- سیاستهای اساسی آنها چیست؟  
ج- آنها توطئه می کنند که این بساط را نگهدارند و وقتی که این مسائل و مشکلات حل نشوند نارضائی بوجود خواهد آمد و گسترش نا رضایتی و نا امنی ناچاراً استبداد را بوجود خواهد آورد. پایه های استبداد هم که موجود است. انقلاب به راحتی تبدیل به ضد انقلاب می شود. ضد انقلاب هم که تحت سلطه آنها است بنابراین ایران دوباره تحت سلطه ابر قدرتها در خواهد آمد.

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**  
بانک ملی ایران تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۸

# رنجبر و خوانندگان



دوست گرامی آقای بابک پورهاشمی  
 شما ، فقط پاسخ آنرا درج میکنیم .  
 حتما " قبول دارید که پاسخ به هر یک  
 از چهار سؤال شما یک مقاله نسبتا طولانی  
 میشود و ما با کمبود جا در صفحات نشریه  
 مواجه هستیم . از اینرو سعی خواهیم کرد  
 جواب سئوالاتان را بتدریج در مقالاتی  
 جداگانه بدهیم . در اینجا بطور خیلی  
 مختصر به سئوالات شما اشاره میکنیم :

۱- از دوا بر قدرت آمریکا و شوروی ، به  
 دلالتی که در سرمقاله رنجبر ۳ آمده ،  
 حتما لازم است تمرکز افشاکگری بر روی  
 سوسیال امپریالیسم شوروی باشد .

۲- منظور از ملی بودن یک دولت این  
 نیست که هیچ نقطه ضعف و اشکالی در  
 مقابله با امپریالیسم ندارد . حتی  
 کمبودهای بسیار جدی در دولتتهای ملی  
 و از جمله دولت ملی ما موجود است  
 ولی دولت ما ماهیتا ملی و استقلال -  
 طلب است و باید در مبارزه با امپریالیسم  
 با آن متحد بود .

ضمنا " بنظر ما مبارزه با این یا آن مهره  
 امپریالیسم ، راه درست مبارزه ضد  
 امپریالیستی نیست . این کار حتی  
 میتواند ما را بدنبال احتمال و یا  
 شایعات درباره افراد روان کند . باید  
 با سیاستهای امپریالیستی مبارزه کرد  
 و ماهیت توطئه‌های آنها را افشا نمود  
 حال هرکس بهر نسبتی که بر روی این  
 سیاستها باشد عملا " مورد حمله قرار  
 خواهد گرفت .

۳- جنگ چین و ویتنام را نباید در چارچوب  
 یک جنگ ساده مرزی بین دو کشور  
 ارزیابی کرد . مساله اینست که شوروی  
 برای تدارک جنگ جهانی آینده ، در  
 سطح جهان و از جمله در منطقه  
 هندوچین در حال تهاجم بسوده و  
 رهبری فکلی ویتنام شریک محلی این  
 تهاجم و تجاوز است . در نتیجه جنگ  
 چین و ویتنام در چارچوب تعرض  
 شوروی و ایجاد یک جبهه جنوبی علیه  
 چین برای تدارک جنگ جهانی سوم  
 قابل بررسی است .

۴- بیانیه " رزمندگان آزادی طبقه کارگر "  
 درباره کردستان دارای نکات مثبتی  
 در افشای توطئه‌ها و ماهیت سیاستهای  
 دارودسته‌های سرسپرده و فرصت طلب  
 است . اما بنظر ما خودشان هم یک  
 موضع " میانه " اتخاذ میکنند که خود

## کنفرانس مطبوعاتی

باید مردم چنان قدرتی داشته باشند که  
 حافظ انقلاب و ادامه دهنده آن گردند .  
 وی علت عدم استقبال مردم از انتخابات  
 شوراها را در متعدد بودن مراکز قدرت  
 تصمیم گیری و هرج و مرج در مملکت توصیف  
 نمود .

سپس علی حجت یکی دیگر از نمایندگان  
 ستاد ، سه ویژگی انقلاب اسلامی به رهبری  
 امام خمینی یعنی استقلال ، آزادی و عدالت  
 اجتماعی را بر شمرد . وی مسئله کلیدی و  
 مرکزی را مسئله استقلال نامید و متذکر شد  
 که بدون استقلال کشور ، هیچ گاه به دو مسئله  
 دیگر نخواهیم رسید . وی اتحاد سازمانهای  
 ستاد اتحاد بزرگ ملی را بر اساس این سه  
 اصل و به ویژه استقلال و تمامیت ارضی ایران  
 در مقابل دسائس و توطئه‌های امپریالیسم به  
 ویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی توصیف  
 نمود . و در این رابطه وی نقش مردم در مورد  
 مسئله استقلال و اینکه باید آزادی و عدالت  
 اجتماعی در میان مردم گسترش پیدا کند  
 اشاره کرده و اهمیت شوراها و اینکه انتخابات  
 شوراها به خاطر آزادیهایی که به مردم داده  
 می شود و شرکت آنها در تعیین سر نوشت  
 خودشان و شرکت آنها در مسائل اجتماعی  
 دارای اهمیت است توضیحاتی داد .

سپس شکوفه نیکخواه یکی دیگر از  
 نمایندگان ستاد ، جریان انتخابات و شکل  
 برگزاری آن و اشکال و نواقص انتخابات ۱۹  
 و ۲۰ مهر ماه را تشریح نمود .

وی به شکست انتخابات شوراها و عدم  
 استقبال مردم از آن اشاره نمود و علت این  
 شکست را اتخاذ سیاست نادرست از طرف  
 ارگانهای اجرائی دولت ، کم بها دادن به  
 نیروی مردم ، عدم آگاهی مردم در مورد  
 شوراها و همین طور انحصار طلبی بعضی از  
 ارگانهای دولتی دانست .

بعد از آن یکی دیگر از نمایندگان  
 ستاد نکات پیش نویس و طرح پیشنهادی  
 ستاد اتحاد بزرگ ملی را مطرح نموده و  
 توضیحات لازم را در مورد این نکات داد .  
 وی در مورد شوراها محلی و سایر شوراها  
 و حدود و نفوذ امکانات هر یک از این شوراها  
 را تشریح نمود .

در پایان کنفرانس خبرنگاران سئوالاتی  
 در موارد مختلف مطرح نمودند که از طرف  
 نمایندگان به سئوالات پاسخ لازم گفته شد .  
 و سپس مواضع و طرح پیشنهادی ستاد  
 انتخاباتی " اتحاد بزرگ ملی " به صورت  
 نوشته‌ای در اختیار خبرنگاران قرار گرفت .

## شوروی...

شدند . مثلا رویزبونیستهای چکسلواکی ، این نوکران با وفای دار و دسته برژنف -  
 کاسیگین ، کامیون‌های جلگه پیما به نام " تاترا " که برای استفاده نظامی  
 ساخته شده‌اند به تعداد زیاد در اختیار دولت پرتغال گذاشت تا به اصطلاح برای مقاصد  
 " غیر نظامی " بکار روند . نشریه " سفارت پرتغال در شهر بن که " اخبار پرتغال " نام  
 داشت در تابستان ۱۳۵۰ ( ژوئیه ۱۹۷۱ ) نوشت : " بر اساس قرار داد منعقد شده بین  
 چکسلواکی و پرتغال از مدتی قبل کامیون‌های چکسلواکی به موزامبیک فرستاده می شوند تا  
 در عملیات ساختمانی برای حمل بار مورد استفاده قرار گیرند . این کامیون‌ها که جلگه پیما  
 هستند ، " تاترا " نام دارند و مخصوص عملیات نظامی ساخته شده‌اند . "

آقای آنتونیو الیرتونو ، نماینده جنبش خلق برای آزادی آنگولا در شمال اروپا و  
 کشورهای اسکاندیناوی در زمستان ۱۳۵۰ ( فوریه ۱۹۷۲ ) اعلام کرد که مسئولین وزارت  
 خارجه لهستان ( یعنی یکی دیگر از جیره خواران دار و دسته برژنف - کاسیگین ) به او  
 اطلاع داده‌اند که دولت لهستان چهار کشتی مجهز حمل و نقل به منظور حمل اسلحه و  
 افراد نظامی از پرتغال به آنگولا و موزامبیک به استعمارگران پرتغالی فروخته است . این  
 کشتی‌ها در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به دولت پرتغال تحویل گردیده بودند . ( رجوع شود  
 به کتاب " همسایه شمالی - گرگی در لباس میش " ، صفحه ۸۵ ) .

باین ترتیب در طی مدت ده سال سوسیال - امپریالیستهای روسیه نیروهای خود را  
 در خدمت سرکوبی جنبش انقلابی خلق آنگولا قرار دادند . اما از اوائل دهه ۱۳۵۰  
 سیاست سوسیال امپریالیستها عوض شد و آنها به ناگهان پشتیبان و مدافع جنبش انقلابی  
 آنگولا شدند .

علت چه بود ؟ علت این بود که از یک طرف خلق آنگولا در عمل ثابت کرده بود  
 که استعمارگران را شکست داده است و ارتش استعماری پرتغال و پول و اسلحه امپریالیسم  
 آمریکا دیگر قادر نیست جلوی پیشرفت موفقیت آمیز آن را بگیرد . و از طرف دیگر به علت  
 تضعیف نیروهای آمریکا و به هم خوردن تعادل قوا بین آمریکا و روسیه به نفع امپریالیسم  
 روسیه ، دار و دسته برژنف - کاسیگین جرات این را یافته بودند که به یک تهاجم وسیع  
 برای توسعه مناطق تحت نفوذ خود در جهان دست بزنند . و برای این منظور آنگولا  
 بهترین موقعیت را داشت . درست مثل یک میوه رسیده که آماده برای چیدن باشد .

کشور آنگولا با در بر گرفتن طوایف گوناگون با سابقه اختلافات سنتی که با یکدیگر  
 داشتند و سطح نازل آگاهی سیاسی ، آمادگی زیادی برای دست اندازیهایی تزارهای نوین  
 روسیه داشت که زیر نقاب " سوسیالیسم " و " متحد طبیعی خلقهای در بند جهان "  
 فعالیت می کرد . دار و دسته برژنف - کاسیگین با استفاده از همین نقاط ضعف موجود  
 در میان خلق آنگولا که نتیجه صدها سال حکومت استعمارگران در آنجا بود ، به سرعت  
 بساط حکومت نو استعماری خودش را در آنجا بر پا کرد .

عوامل امپریالیسم روس با سوء استفاده کردن از نا آگاهی و عدم قاطعیت رهبری  
 سازمانهای سیاسی خلق آنگولا به سرعت در این جنبش نفوذ کرده و موفق شدند که  
 رهبری سازمان میلا را به طرف خود جلب کنند . آن وقت برای اینکه دو سازمان آزادی  
 بخش ملی دیگر ، یعنی فنلا و یونتیا را که مانع پیشرفت مقاصد آنها بودند ، از میان  
 بر دارند به آنها مارک " ارتجاعی " ، " دست نشانده امپریالیسم " ، " جاسوس  
 امپریالیسم " و غیره زده و به سرعت مشغول توطئه چینی برای نابود کردن آنها شدند .  
 آن وقت بود که سبیل اسلحه برای سازمان میلا به سوی آنگولا سرازیر شد . نیروهای سازمان  
 میلا به تحریک عوامل امپریالیسم روسیه پس از اخراج دو سازمان دیگر از لوآندا پایتخت  
 آنگولا ، سازمان خود را دولت جدید آنگولا اعلام کرده و از دولت شوروی تقاضای کمک  
 کردند .

به زودی بیش از هزار مستشار روسی و پانزده هزار سرباز و افسر کویائی به خاک  
 آنگولا وارد شده و به سرکوب ارتشهای آزادی بخش سازمانهای فنلا و یونتیا پرداختند .  
 در تمام مدتی که آتش جنگ داخلی در آنگولا شعله می کشید تزارهای نوین روسیه  
 ماشین تبلیغاتی بزرگ خود را بکار انداخته بودند تا با سر و صدای زیاد توجه کلیه  
 خلقهای در بند جهان را به این نقطه از جهان متوجه کنند . آنها با تبلیغات فراوان در  
 واقع به خلقهای جهان می گفتند که نگاه کنید که ما برای انجام دادن وظایف  
 " انتر ناسیونالیستی " خودمان چه کارها می کنیم ! حتی در یک مورد کشتیهای جنگی  
 روسیه وارد یکی از بنادر آنگولا شده و با پرتاب موشک عملا در جنگ داخلی آنگولا شرکت  
 کردند . ( رجوع شود به کتاب " سوسیال امپریالیسم - اتحاد شوروی امروز " انتشارات  
 بنان ، برکلی ، چاپ انگلیسی - صفحه ۷۰ ) .

این دخالتهای امپریالیسم روسیه در انقلاب آنگولا در اثر تبلیغات وسیعی که به

## دیپلمه‌های بیکار

جنبش دیپلمه‌های بیکار جنبشی برحق

است. اما خودشان خودشان هم یک موضع "میانه" اتخاذ میکنند که خود ناشی از داشتن موضعی میانه بین مارکسیسم و ریزبونیسم است. ما به نظرات سازمانها و گروههای دیگر براساس اهمیت آن برای انقلاب ایران برخورد میکنیم نه براساس برخورد یا برجسبزی آنها به سازمان ما. موفق باشید

مدیر محترم روزنامه رنجبر

یا توزیع وجودی بیسود ارتداد و بسوی نظامات کهن و پوسیده باید ریشه کن گردد. در هر منطقی اعم از ملی و مذهبی و سوسیالیستی، انگل محکوم است.

با درودهای گرم خدا داد پور زمزم جمالی (اسد آباد همدان)

بنام خداوند مهربان نویسندگان محترم روزنامه رنجبر ۱۳۵۸/۷/۱۶

پس از عرض سلام، مطالب مندرج در هفته نامه های گذشته رنجبر را خواندم و به عنوان یک مسلمان مبارز و طرفدار جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی موضع گیری شما را در برابر دولت و انقلاب اسلامی ملت ایران پسندیدم و امید است این موضع شما فرصت طلبانه نباشد و انشاء الله که نیست. افشاگری های بحق شما را در شماره ۲۹ رنجبر درباره رهبری غاصب چریکهای فدائی خلق و همچنین افشاگریهای شما را در شماره های گذشته درباره کمیته مرکزی خائن حزب توده و دار و دسته کیانوری و تمام گروههای چپ نما میستایم.

در شهرستان ما رامهرمز از توابع استان خوزستان عده ای از این دار و دسته کیانوری و طرفداران آنها و همچنین عده ای از طرفداران چریکهای فدائی خلق وجود دارند. از هنگامی که این انقلاب پیروز شد آقایان انقلابی دو آتش شده اند و برای اینکه خود را روشن فکر قلمداد کنند با مطالعه چند کتاب می گویند ما مارکسیسم - لنینیسم هستیم در حالی که آبروی این مکتب را برده اند چون به وفور دیده میشود که جوانان میگویند اگر اینها مارکسیسم - لنینیسم هستند پس مرگ بر این مکتب. و در محله ما (خیابان دکتر مصدق) از این نوع افراد دیده میشود برای مثال یکی از همین آقایان تا دیروز بر روی تانکهای محمد رضا شاه نگهبانی میداد و الان که انقلاب پیروز شده است خود را حامی طبقه کارگر می داند در شرایطی که جد امثال این افراد فئودال و سرمایه دار میباشد و خون کشاورزان و کارگران زحمتکش را می مکیدند امید است که این نامه را در شماره های آینده رنجبر چاپ کنید.

با کمال تشکر از استان خوزستان شهرستان رامهرمز محمد علی بهوند یوسفی

جنبش دیپلمه های بیگار جنبش برحق است و خواست اساسی این نیروی عظیم جوان داشتن فرصت برای خدمت به انقلاب و سازندگی میهن است. ما تشکیل کانون دیپلمه های بیگار مشهد را تبریک گفتیم و امیدواریم این کانون با پافشاری بر خط مشی وحدت با انقلاب و مرز بندی با چپ نما ها به موفقیت های بیشتری دست یابد.

### سید احمد خمینی

سخنان حاج سید احمد خمینی مبین یکی از ویژگیهای عمده انقلاب اخیر ایران یعنی تعیین کنندگی نقش زحمتکشان و کلیه طبقات و اقشار خلقی بوده و از طرف دیگر با هرگونه انحصار طلبی در این زمینه مبارزه میکند و سمت راستین اسلام مبارز را در این زمینه ترسیم مینماید. وی از تجربه تلخ جنبشهای ملی و ضد استبدادی میهن مان و دیگر کشورهای جهان که با غلطیدن به ورطه انحصار طلبی یک حزب و یک ایدئولوژی کلیه ثمرات انقلاب را به بعدر دادند و سبب پیروزی ضد انقلاب شدند، بخوبی آگاه بوده و به افشاگری آن میپردازد.

از طرف دیگر سخنان وی نشانه انتقاد از روحانی نمایانی است که پیروزی این انقلاب را فقط متعلق بخود می بینند و در نتیجه کلیه دستاوردها، از جمله آزادی و رفاه اجتماعی حاصله از آنرا در انحصار خود قرار داده اند. وی درسخانی به بوروکراسی دولتی به ارت رسیده از رژیم سابق که میروند تا پایه های توده های عظیم انقلاب را از رهبری و مواضع آن جدا کند حمله نموده و بمقائبات مسئول و شورای انقلاب و بنمایندگان مجلس خیرگان هشدار میدهد.

موضع گیری های حاج سید احمد خمینی بیانگر موج عظیمی است که از طرف توده های مردم علیه انحصار طلبی در جامعه، بپا خواسته است. این موضع گیری ها بدرستی بین اسلام مبارز و عده دیگری که تحت لوای اسلام در صدد قبضه کردن قدرت در دست خود میباشد خط و مرز ریزی میکند و از وحدت عمیق مردم به رهبری امام خمینی بدون هیچگونه تعصب و فرقه گرایی دفاع میکند.

این موج بحق ضد انحصار طلبی باید دارای سمت درست خدمت به زحمتکشان بوده و علیه دو ابر قدرت امپریالیستی موضع گیری داشته باشد، در غیر این صورت خطر سوء استفاده عوامل نایاب و خطر انحراف جدیدی را با خود بپیماید.

ینان، برکلی، چاپ انگلیسی - صفحه ۷۰. این دخالت های امپریالیسم روسیه در انقلاب آنگولا در اثر تبلیغات وسیعی که به منظور فریب خلقهای جهان در پیرامون آن انجام گرفته هنوز بعد از گذشت چند سال به عنوان نمونه ای از "کمک های انترناسیونالیستی" حزب کبیر برادر " مورد استفاده عمل امپریالیسم روسیه در سرتا سر جهان است. هنوز نوکران چیره خوار امپریالیسم روس مانند دار و دسته کیانوری در ایران از آنگولا به عنوان یک "نمونه خوب" نام می برند. نمونه ای که بزعم آنها می تواند احتیاج خلقهای جهان را به کمک گرفتن از شوروی ثابت کند و نتیجه " مثبت " این کمک گرفتن را هم نشان دهد. اما نتیجه این به اصطلاح "کمک برادرانه" امپریالیسم روس به آنگولا چه بود؟

در نتیجه جنگ داخلی که آتش افروز آن عمال روسیه بودند وحدت ملی نیروهای خلق به کلی از بین رفت و به جای آن برادر کشی و حس خون خواهی در میان طوایف مختلف آنگولا نشست. در مدت کوتاهی بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم آنگولا به قتل رسیدند و میلیونها نفر آواره و بی خانمان شدند ( رجوع شود به نشریه " ستاره سرخ " سال هفتم شماره ۵۴، تیر ماه ۱۳۵۵ ). حاصل آن این بود که از یک طرف دو سازمان آزادی بخش فلان و یونتی ارتش های منظم خود را از دست دادند و بار دیگر به انجام یک جنگ فرساینده چریکی پرداختند که هنوز بعد از گذشت چند سال ادامه دارد. و از طرف دیگر مستشاران روسی و گویائی و سایر کشورهای وابسته به شوروی در تمام ارکان زندگی مادی و معنوی آنگولا نفوذ کردند و کشور تازه استقلال یافته آنگولا را عملاً مبدل به یک نو مستعمره نمودند.

آنگولا نه تنها دارای منابع زیر زمینی پر ارزشی چون نفت، الماس، طلا، مس و غیره به مقدار وسیع است بلکه باین علت که نقطه حساسی برای تسلط بر کشور وسیع و کم جمعیت نامیبیا و کنترل مسیر کشتی های حامل مواد سوختنی و راه دریائی ای می باشد که اقیانوس هند را به اقیانوس اطلس متصل می کند، همواره برای امپریالیست ها دارای ارزش بی اندازه زیادی بوده است. و اکنون در نتیجه انحرافات بعضی رهبران جنبش انقلابی آنگولا و تهاجم نظامی و سیاسی ناگهانی دار و دسته برژنف - کاسیکین این سرزمین زر خیز به جنگ استعمار گران روس افتاده و بار دیگر در دست غارتگران جهان خوار اسیر گشته است.

این سیاست امپریالیسم روسیه یعنی ایجاد جنگ داخلی در کشورهای جهان سوم و سوء استفاده از تفرقه ایجاد شده در میان صفوف خلق، اکنون یکی از شگردهای دار و دسته برژنف - کاسیکین گشته است. این سیاست روسها قبل از آنگولا در نقاط دیگری از جهان آزمایش شده بود و در آینده نیز بدون شک از طرف دار و دسته برژنف - کاسیکین مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

چا دارد که کلیه مردم انقلابی جنبشهای کشورهای جهان سوم با پند گرفتن از این درسهای تاریخی هشیاری خود را نسبت به ماهیت و مقاصد سوسیال - امپریالیستها بالا برند و اجازه ندهند که تجربه تلخ آنگولا یک بار دیگر در خاک میهنشان تکرار شود.

### اعتصاب غذای ...

فلسطینی و جنبش فلسطین ثراقت خواهد شد. هدف و خواستهای این دانشجویان بصورت شعارهایی بر سر در مسجد دانشگاه نصب شده است. ما از دولت خواهان مطرح کردن اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی در مجامع بین المللی هستیم و " با حرکت های ضد - امپریالیستی و صهیونیستی پیوند خود را با خلق مبارز فلسطین عمیقتر کنیم ".

در این اعتصاب غذای دانشجویان "انجمن ملی دانشجویان" (تهران) هم شرکت فعال داشتند و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی نیز پیام همبستگی به اعتصاب غذا تقدیم کرد.

هفته نامه

رنجبر

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

مدیر مسئول - علی حجت

سردبیر - فرامرز وزیری

نشانی: خیابان مصدق، پانزین تر

از میدان ولی عصر، خیابان زمر

پلاک ۷ تلفن: ۶۴۲۹۱۴

نشانی پستی: تهران، صندوق

پستی ۱۴۰۱ - ۲۱۴

چاپ سکه

## جاودان باد خاطره شهدای افسران میهن پرست

نظامیان میهن پرست شهید متعلق به خلق و طبقه کارگرند و دار و دسته کیانوری با اینگونه تلاشها نه میتوانند کارنامه سیاه خود را بشویند و نه خاطره‌ی این عزیزان شهید را لکه‌دار کنند.

## جاسوس سپا را اخراج کنید!

"موسسه امریکائی مطالعات ایرانی" هنوز در ایران فعالیت می‌کند و "ماروین زونیس" کارشناس امریکا و "سیا" در مسائل خاور میانه و ایران، و نویسنده کتابهایی از جمله "نخبگان سیاسی در ایران" اکنون در تهران است و ظاهراً در این موسسه "کار" می‌کند. این خبر را که در نشریات امریکائی آمده، انجمن اسلامی دانشجویان در امریکا و کانادا "گروه فارسی زبانان" طی اعلامیه‌ای که به ایران هم فرستاده، فاش ساخته است.

ماروین زونیس به عنوان یکی از کارشناسان و مشاوران محافل امپریالیستی امریکا و از طراحان توطئه‌های سازمان جاسوسی سیا شناخته شده است. چند نکته را در این مورد ذکر می‌کنیم:

— او از افراد نزدیک به دربار پهلوی بود و در نوشته‌هایش بارها اشاره به این "ارادت" می‌کند.

— او بارها از طرف سازمان سیا، وزارت امور خارجه و بقیه مراکز توطئه‌های امپریالیسم امریکا مورد مشورت قرار گرفت. بقیه در صفحه ۴

جمعه گذشته، کمیته مرکزی حزب توده مراسم بیست و پنجمین سالگرد شهادت ۲۷ تن از اعضای سازمان نظامی حزب توده را برگزار کرد. این افسران شهید پس از کودتای ۲۸ مرداد و فرار و خیانت سران خائن حزب توده بدست دژخیمان رژیم کودتا به شهادت رسیدند.

زندگی پاک و سرشار از مبارزه این شهیدان و شهادت افتخار آفرینشان، در زمان فرار طلبی و خیانت سران این حزب بدرستی نشان داد که "شهیدان توده‌ای در وجود حزب توده جایی ندارند" فرار خفت بار کمیته مرکزی حزب توده و تجربه تلخ ناشی از تسلیم طلبی آنان ثابت کرد که حزب توده لیاقت همگامی و همنامی با روزبه‌ها و سیامک‌ها را نداشته و ندارد.

حال دار و دسته کیانوری پس از ۲۵ سال فرار طلبی و مهاجرت به ایران بازگشته و برای کسب آبرو یادبود شهیدانی را برگزار میکنند که مقاومت و میهن پرستی شان در تضاد کامل با تسلیم طلبی و انقیاد طلبی کمیته مرکزی حزب توده قرار داشت.

حرف ما این است که بدون حرکت و بسیج توده‌های مردم نمی‌توان ضد انقلاب را سرکوب کرد. آیا فراموش کردید که ضد انقلاب حاکم تنها با جنبش توده‌ها سرنگون شد؟ پس چطور ممکن است کسی متعلق به جنبش انقلابی خلق باشد ولی نیاموخته باشد که ادامه مبارزه با بقایای ضد انقلاب و توطئه‌های آنها هم تنها و تنها با اتکاء و اعتماد به توده‌ها و با بسیج بی پروای آنها ممکن است؟

مردم خوزستان حق دارند که به انواع بقیه در صفحه ۵

## سید احمد خمینی حرکت آفرینان، توده‌های

### محروم‌اند

در هفته گذشته حاج سید احمد خمینی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ضمن توضیح نظرات خود در مورد مسائل مهم و روز جامعه به نقشی بزرگ توده‌ها در انقلاب اشاره کرد و گفت: "حرکت آفرینان توده‌های محروم جامعه هستند، شکل دهندگان این جامعه یک دسته دیگری هستند . . . . . ما می‌گوئیم باید روحانی و غیر روحانی مبارز یعنی همه مبارزین راه خدا اگر خود شکل دهنده حرکت نیستند لاقول شکل دهندگان به حرکت اجتماع خودشان را بشناسند . . . . . وی در دنباله سخنانش در مورد خطر جاه طلبی افزود: "اگر تعزیه گردانان قبل از انقلاب همان تعزیه گردانان بعد از انقلاب باشند، ولی پست و مقام و پاسدار و کمیته و این معانی تغییرشان داده باشد و محتوایشان را تغییر داده باشد این خطرناکتر و درد آفرین‌تر و فاجعه آمیزتر است . . . . ."

بقیه در صفحه ۷

## مردم حق

### تظاهرات علیه ضد انقلاب را دارند

گاهی به نظر می‌رسد که بعضی از مسئولین امور وقتی به بیراهه می‌افتند دیگر در بیشتر اشتباه کردن دلیرتر می‌شوند. خبر این است که در خوزستان در حالی که مشتی تروریست وابسته به ضد انقلاب ورشکسته مرتباً دست به جنایت می‌زنند، دادستان انقلاب اسلامی خوزستان تظاهرات و راه پیمائی را برای مردم ممنوع می‌کند. و همه این نوع تصمیمات سراسر نا درست معمولاً تحت عنوان "حفظ نظم انقلابی" و یا "دفاع از انقلاب" اعلام می‌گردد. دفاع از انقلابی که دستاوردهایش با تظاهرات ها و راه پیمائی‌های میلیونی توده مردم بدست آمده است.

## دیپلمه‌های بیکار مشهد

### تشکیل کانون میدهند

راهپیمائی کنند، ضمناً "یک گرد همایی هم در باغ ملی داشتند. روز یازدهم مهر در رشت کنفرانسی تشکیل شد که از طرف کانون مشهد هم

## شوروی: کشوری امپریالیستی

### شوروی و آنگولا

یکی دیگر از نمونه‌های سیاست مستعمراتی سوسیال امپریالیستها، عملکرد آنها در کشور آنگولا است.

آنگولا مدت چهار صد سال تحت تصرف استعمارگران پرتغالی بود. از اوائل دهه ۱۳۴۰ خلق آنگولا، تقریباً همزمان با خلقهای بعضی دیگر از مستعمرات پرتغال مانند موزامبیک و گینه بیسائو، به پا خاست و به سازماندهی خود و ایجاد ارتش آزادی بخش ملی پرداخت. این مبارزات به تدریج به سر تا سر خاک آنگولا کشید و ارتش‌های محلی خلق از چند گوشه کشور با استعمارگران پرتغالی و حامیان رنگارنگشان که امپریالیسم امریکا در رأس آنان بود، به نبرد پرداختند.

مبارزات مسلحانه خلق آنگولا با استعمارگران بیش از ده سال طول کشید و وقتی بالاخره نیروهای نظامی استعماری از پای در می‌آمدند، سه سازمان مقتدر ملی با مهارتش خلق از سه جهت به طرف پایتخت روی آوردند. این سازمانها که نامهای اختصاری آنها "یونتیا"، "فلا" و "مبلا" بود، دارای نقطه نظرهای سیاسی مختلفی بودند ولی درباره مسئله استقلال و آزادی آنگولا با هم اشتراک نظر داشتند. بر همین اساس بود که این سه سازمان در زمستان ۱۳۵۳ (ژانویه ۱۹۷۵) طبق موافقت نامه‌الور که با دولت پرتغال امضاء کردند اعلام نمودند که مشترکاً یک دولت انتقالی تشکیل خواهند داد تا مقدمات استقلال کشور و انتقال قدرت از استعمارگران پرتغالی به خلق آنگولا را تدارک ببینند.

اما استعمارگران که می‌کوشیدند در کار استقلال یافتن آنگولا مانع ایجاد کنند، به تحریک افراد نا آگاه این سه سازمان علیه یکدیگر پرداختند و باعث شدند که درگیریهای میان نیروهای آنها ایجاد شود. برای جلوگیری از همین درگیریها بود که در تابستان ۱۳۵۴ (ژوئن ۱۹۷۵) سه سازمان ذکر شده موافقت نامه ناکورو را جهت متوقف ساختن بر خوردهای مسلحانه با یکدیگر و احترام به مواضع یکدیگر و ارجحیت دادن استقلال کشور بر منافع گروهی خودشان امضاء کردند و کشور به سوی اتحاد ملی حرکت کرد. و چه بسا اگر دخالتهای استعمارگران سوسیال - امپریالیستها نبود این اتحاد ملی به حقیقت می‌پیوست.

حالا ببینیم بر خورد سوسیال - امپریالیستهای روسیه به جنبش انقلابی آنگولا چه بوده است.

دار و دسته خائن برژنف - کاسیگین در ابتدای مبارزات مسلحانه خلق آنگولا نه تنها بدان روی خوش نشان ندادند بلکه به کمک استعمارگران پرتغالی نیز شتافتند. این امپریالیستهای نو پا که در آن زمان هنوز نمی‌خواستند با امپریالیسم قهاری چون امپریالیسم امریکا که با تمام نیرو از استعمارگران پرتغالی پشتیبانی می‌کرد، دربیافتند، از طریق دست نشاندهگان خودشان در کشورهای اروپای شرقی مشغول کمک به ارتش پرتغال

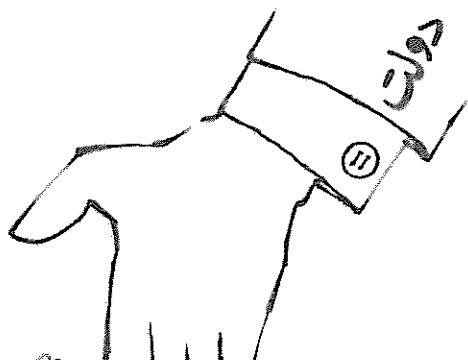
بقیه در صفحه ۷

## پاسخ يك نامه

### در باره نشریه

### «جرقه»

از شش ماه پیش گروهی از فارغ التحصیلان مشهد برای گرفتن کارشروع به فعالیت کرده و در ابتدا تحصن‌هایی هم در آموزش و پرورش و مکنهای دیگر داشتند



در هفته گذشته نامه‌ای از طرف عده‌ای از جوانان خوزستان به دفتر رنجبر رسید که خواسته بودند نظر خود را راجع به نشریه "جرقه" بگوئیم. متن نامه چنین است:

"این موضوع را از زبان افراد متعددی برای شما مینویسم. با درج مقاله افشاگرانه شما در مورد نشریه "جرقه نو" که نشریه‌ای رویزیونیستی و در خدمت امپریالیست‌های روسیه است و در زمانی که ورق پاره "مردم" ارگان دار و دسته کمیته مرکزی خائن حزب توده منتشر میشد، اینجا و آنجا برخی شایع کرده‌اند که نشریه "جرقه" وابسته به "سازمان انقلابی" است. آیا این موضوع صحت دارد؟ خواهش میکنم نظرتان را در این مورد و همچنین در مورد خط مشی سیاسی "جرقه" بیان دارید.

با تقدیم احترام  
از طرف عده‌ای از جوانان خوزستان  
بقیه در صفحه ۵

به فعالیت کرده و در ابتدا تحصن‌هایی هم در آموزش و پرورش و مکانهای دیگر داشتند که به آنها ترتیب اثر داده نشد. بعد از اینکه مذاکراتی با استاندار خراسان به عمل آمد، از طرف استانداری امکاناتی از قبیل دادن چادر و ریه‌های ارتشی برای فروش و پخش میوه در اختیار ایشان گذاشته شد، ولی افرادی که از اول در جریان کار بودند متوجه شدند که این کار رو بنائی بوده و مسکنی بیشتر نبوده و چیزی را حل نمی‌کند. بنابراین با اجتماع گروهی از دیپلمه‌ها موافقت شد که کانونی تشکیل شود تا تحت این شکل بتوانند خواسته‌هایشان را جامه عمل بپوشانند. در این کانون با انتخاب خود افراد چند نفر به عنوان کمیته مرکزی بوجود آمد همچنین کمیته‌هایی از قبیل کمیته مالی، بررسی و تحقیقات، کمیته کاریابی و کوهنوردی بوجود آمد. یک بار از همه افراد بیکار و فارغ التحصیلان دعوت به عمل آمد تا

روز یازدهم مهر در رشت کنفرانسی تشکیل شد که از طرف کانون مشهودم نماینده‌های فرستاده شد، منظور از این کنفرانس بوجود آوردن یک کانون سر تا سری در تمام نقاط ایران بود.

در روز پانزدهم نیز دعوت بعمل آمد تا در محل نیروی انسانی تجمع کنند در این اجتماع با تصویب فارغ التحصیلان قطعنامه‌ای خوانده شد که یکی از مفاد آن گرفتن محل و به رسمیت شناختن کانون بود.

قطع نامه‌ای هم در مورد استخدام دیپلمه‌ها در آموزش و پرورش تصویب شد. کلا خواسته‌های این کانون صنفی بوده و به هیچ گروه و دسته‌ای وابسته نمی باشند و با توجه به اینکه از رهبری امام خمینی و دولت ملی پشتیبانی کرده و خواهان تداوم انقلاب می باشند، معتقدند که باید به خواسته‌های به حقی که دارند رسیدگی شود و از هر گونه بر چسب زدن ضد انقلابی به آنها خود داری شود.

بقیه در صفحه ۷



## اعتصاب غذای همبستگی با فلسطین



هفته گذشته گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران جهت پشتیبانی از زندانیان سیاسی فلسطینی در زندان‌های اسرائیل اعتصاب غذائی در مسجد دانشگاه برگزار نموده‌اند. این اعتصاب غذا از روز شنبه ۵۸/۷/۲۸ شروع و پنجشنبه ۵۸/۷/۲۹ تا صبح

دوسنبه) ادامه خواهد داشت. در طول اعتصاب غذا بسوی مسائل اساسی بحث و تبادل نظر شده و از درون همین بحثها نکاتی به تصویب رسید و سپس بصورت قطعنامه‌ای در رابطه با زندانیان

بقیه در صفحه ۷

## مجاهدین خلق انتقاد از چپ‌روها

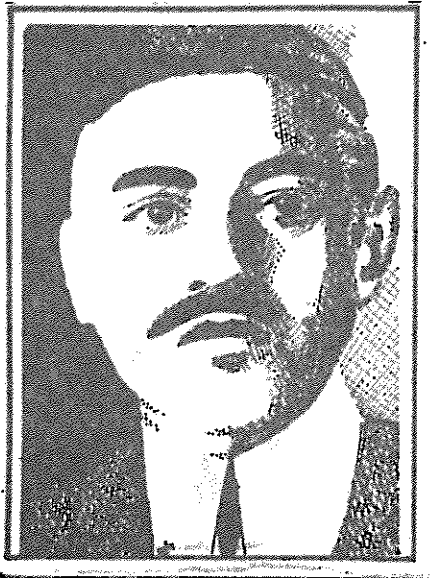
سازمان مجاهدین خلق ایران در نامه سرگشاده‌ای که در ۲۳ مهر ماه گذشته به امام خمینی فرستاد نقطه نظرها و پیشنهادهای خود را درباره حل مسئله کردستان بیان داشت. مجاهدین در این نامه حل مسئله کردستان را تنها از راه سیاسی امکان پذیر دانسته‌اند، نکته مهم در این نامه محکوم کردن سیاستهای چپ روانه بعضی نیروهاست در این رابطه چنین آمده است:

"ما چنین نیستیم که نظیر برخی چپ‌روها و آن دسته از مدعیان انحصاری رهائی طبقه کارگر (که ما مجاهدین را به سازشکاری متهم میکنند)، در تشخیص مرزها و درجات وحدت و اختلاف خود با دیگران فرومانده و با اتخاذ مواضع انحرافی و چپ روانه، تفرقه‌ها و تضادها را (تا حدودی نظیر آنچه روزگاری در مقابل مصدق عمل میشد) نهایتاً به سود امپریالیست‌ها دامن

بقیه در صفحه ۶

## برای حیدر

ام مرد وحدت بود و دستش بهترین یاور، او عشق ملت بود و نام خوب او حیدر.



یمناسبت سالروز تولد حیدر عمواوغلو، انقلابی بزرگ ایران، چکیده انقلاب، آموزگار ستارخان و رهبر حزب کمونیست ایران.

در بازتاب روشن تاریخ مردی ردای سرخ خون آلوده‌ای برتن، فریاد شور زندگی بر لب، بارگران میبشش بردوش همدرد دهقانها، در راه گندم زار، در گوره‌های درد، همپای رنج و کار او در دل دریای طوفانها معمار خوب خانه خلق ستمبر بود و خانه اش خشتی از آهن داشت. او در میان سینه جوشان این مردم چون خون پیوستن درون سرخرگها بود.